



پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۱۱۲/ سال دهم/ قیر ماه ۱۴۰۱/ نشریه سندیکاهای کارگری ایران



بازنشستگان حق خود را می خواهند!





پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه‌ای

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

شماره ۱۱۲ / سال دهم / تیرماه ۱۴۰۱ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۶

دستاوردهای درخشان اعتصابات کارگران پروژه ای ص ۲۱

حق دخالت دولت در سازمان تامین اجتماعی ص ۲۷

حق گرفتنی است! ص ۲۸

بکشنه های اعتراض! ص ۲۹

نان، همبستگی، پیروزی! ص ۳۰

بازنشستگان محترم و تحت فشار تامین اجتماعی! ص ۳۱

خلافکار نیستم / تازه بیکار شده بودم ص ۳۴

وقتی بچه ها با چرخ دستی به مدرسه می روند ص ۳۵

دختران قهرمان از تبار زحمتکشان ص ۳۶

به دخترم خواهم گفت! ص ۳۷

ازدواج و سنت ها! ص ۳۹

جوان مرگی در نثر معاصر فارسی ص ۴۱

پدرم ص ۴۲

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی ص ۴۳

از سیلی تا بیل! چرا ضرب و شتم کارگر؟! ص ۴۴

نورم ص ۴۵

مشروعیت مدنی ص ۴۶

مشکلات سازمان های مردم نهاد! ص ۴۷

فرب های سرمایه داری دیگر رنگی ندارد! ص ۴۹

مگر کارگران قلب و ریه ندارند؟! ص ۵۱

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران معتقد است: ص ۵۲

حیات تحریریه سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com و کانال رسمی

سندیکا در تلگرام به آدرس



اسیران ما در معرض خطر مرگ!

از اعتصاب غذای رضا شهابی ۲۰ روز و از اعتصاب غذای حسن سعیدی ۱۰ روز می‌گذرد. ما نمی‌دانیم چند تن دیگر از فعالان صنفی دستگیر شده در اعتصاب غذا هستند. ما همگام با سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران از برادران خود می‌خواهیم برای حفظ سلامتی خود و توانمندتر شدن جنبش کارگری و اجتماعی، دست از اعتصاب بردارند. بی‌تردید فرسوده شدن جسم شما به جنبش کارگری کمک نخواهد کرد.

شرف و ایستادگی شما برای ما ثابت شده است.

**سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران/بازنشستگان سندیکای
بافنده سوزنی بازنشستگان صنعت چاپ/بازنشستگان مستقل
قزوین/بازنشستگان شهاب خودرو ۱۱ تیر ۱۴۰۱**

اسیران ما را آزاد کنید!

با اطلاعاتی که خانواده های زندانیان صنفی جعفر ابراهیمی، آتیشا اسداللهی، رسول بدافی، محمد حبیبی، حسن سعیدی، رضا شهابی، اسکندر لطفی، شعبان محمدی، کیوان مهدی، مسعود نیکخواه منتشر کرده اند مدتهاست از این فعالین خبری در دست نیست و رضا شهابی و حسن سعیدی هم به دلیل فشارهای وارده در بازجویی ها برای پذیرفتن اتهامات بی اساس دست به اعتصاب غذا زده اند. اتهاماتی که این افراد با آن روبرویند هیچ سنخیتی با تلاش های آنان برای بهبودی وضعیت زحمتکشان ندارد. متأسفانه به دلیل قطع ارتباط زندانیان با خانواده های خود ما نمی دانیم چند نفر دیگر از این عزیزان در حال اعتصاب غذا هستند. این افراد چه به لحاظ کارهای صنفی و چه به لحاظ مراوده هایی که داشته اند نمی توانستند اطلاعاتی را کسب کنند که دارای اهمیتی امنیتی باشد. در دبیرستان و یا در شرکت واحد اتوبوسرانی چه اطلاعاتی می توانست باشد که دارای بُعد امنیتی است؟

هرچند بازجوها از این اعتصاب غذاها استقبال کرده تا توان و هوش اسیران خود را ضعیف کرده و بیشترین سود را ببرند و بتوانند به خواسته های غیرقانونی و غیرانسانی خود برسند.

آنچه مسلم است اگر ادعایی هم از سوی مقامات قضایی و امنیتی مطرح باشد فقط در یک دادگاه علنی و صالحه باید به این ادعاهای موهومی رسیدگی کرد. در غیر این صورت خروجی این فشارها هرچه باشد برای افکار عمومی و ما غیر قابل قبول است.

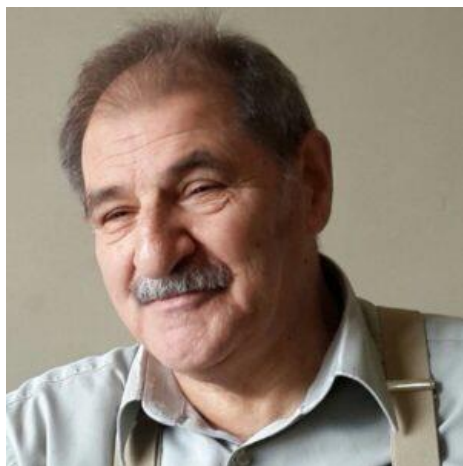
سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ضمن محکوم کردن این شیوه های غیرقانونی، برخورد غیرمسئولانه مقامات زندان و بازجوها در مواجهه با اعضای خانواده های اسیران ما را مصداق بارز آزار و شکنجه دانسته و باید فوراً خاتمه بیابد. ما خواستار آزادی بیدرنگ این عزیزان و اعزام شان به بیمارستان هستیم.

جان ما جان اسیران ماست!

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۸ تیرماه ۱۴۰۱

علی پاینده، هنوردی دیگر از میان مان رفت!



علی پاینده از جمله هنوردانی بود که عشق به انسانها و طبقه کارگر او را به کوه کشانده بود. به همین دلیل بود که در ساخت جان پناه کارگر بر فراز قله توچال در سال ۱۳۴۳ همپای گروه کوهنوردان فلزکار ایستاد تا جان پناهی برای کوهنوردان بسازند و جان کسانی را که نمی شناسند را از مرگ نجات دهند. اخلاق انسانی او باعث شد تا با گروه کوهنوردان فلزکار صعودهای مشترکی داشته باشد. او تا پایان عمر عاشق زحمتکشانش بود

جسمش از ما جداست اما یادش در صعودها با ماست. یادش را در مراسم بزرگداشتش گرامی خواهیم داشت.

دوشنبه ۳۰ تیرماه ساعت ۴ و نیم بعدازظهر، مکان مسجدالنبی امیرآباد شمالی محسن عبدلی، مهدی یزدی، مهین صادقی نژاد، محمدرضا کیا دلیری، مازیار گیلانی نژاد، محمدرضا محمدی

گروه کوهنوردان فلزکار ۳۰ خرداد

دولت، تامین اجتماعی را می خواهد!

با نقض آشکار مصوبه شورای عالی کار در خصوص افزایش ۳۸ درصدی حقوق بازنشستگانی که بیش از حداقل بگیران مستمری می گیرند و تقلیل آن با مصوبه غیرقانونی هیات دولت به ۱۰ درصد، دولت در حرکتی دیگر حق مسکن مصوب شورای عالی کار را که ۶۵۰ هزار تومان برای کارگران بود را به ۵۵۰ هزار تومان کاهش داد. صرفه نظر از این تخلفات آشکار، موضوع مهم پیام هایی است که دولت برای زحمتکشان با این تخلفات می فرستد:

۱- شورای عالی کار را که در آن ۳ وزیر دولت مصوبه را امضا کرده اند به رسمیت نمی شناسد و برای مصوباتش ارزشی قابل نیست. ۲- وزرای که در شورای عالی کار شرکت می کنند مترسکی بیش نیستند و بعد از هر امضایی می توانند چون عبدالملکی به غلط کردن خود راضی شده پای تخته دست به دروغگویی و ماست مالی کردن اوضاع بزنند ۳- قانون برایش ارزشی ندارد و خود را محق می داند که قانون را زیر پا بگذارد. ۴- تظاهرات زحمتکشان در خصوص این بازی فقیر کردن مردم، پاسخی جز دستگیری و زندان ندارد و برایش بی اهمیت است.

اما این همه ماجرا نیست و در پس این پیام ها اصل قضیه بالا کشیدن اندوخته های زحمتکشان است. دولت به تامین اجتماعی بدهی سنگینی دارد که طی سالها با خیانت کانون های بازنشستگی به جای پرداخت بدهی، کارخانه های ورشکسته ای همچون هپکو را با هزینه های سنگینش به تامین اجتماعی تحویل کرده در ضمن این صندوق بازنشستگی دارای ثروتی بیکران بوده که متعلق به کارگران و بازنشستگان است. حال دولت تامین اجتماعی را می خواهد تا هم بدهی اش را پرداخت نکند و هم اموال زحمتکشان را مال خود کند. بی تردید بسیاری از دستاوردها طبقه کارگر با این حرکت باید از بین برود، از جمله موضوعی به نام تصویب حداقل حقوق. با این حرکت ها هر کارخانه داری خود با کارگران بایستی موضوع دستمزد را حل کند. بیمه تامین اجتماعی برجیده و بیمه گران خصوصی درمان را به عهده بگیرند تا هر کسی پول ندارد لطف کند برود بمیرد. در این راستا بازنشستگی هم برجیده خواهد شد چرا که شما در زمان کار کردن حقت را گرفته ای «برو کار می کن مگو چیست کار» یعنی تا آخر عمر توان داری کار کن اگر نداری گوشه خیابان گدایی کن.

حال تصمیم با زحمتکشان است که پاسخ این حرکت هار را بدهند تا در مجموعه دولت فهمیده شود بازی با دستاوردهای زحمتکشان چه واکنشی را در پی دارد.

هیات تحریریه پیام سندیکا ۲۶ خرداد

جان ما، جان زندانیان دربند است!



سالهاست با فشارهای ایدایی که بر زندانیان دربند اعمال می شود، زندانیان مجبور می گردند تا برای حفظ شرافت و شخصیت خود دست به اعتصاب بزنند. رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد دو روز است برای حفظ شرافت و شخصیت کارگرایش دست به اعتصاب غذا زده است. بازجویان برای خروج از بن بستی که به آن دچار شده اند شهابی را به نقطه ای رسانده اند که مجبور گردیده دست به اعتصاب غذایی بزنند که می داند عواقبش بسیار زیان بار خواهد بود. ما ضمن محکوم کردن اعمال غیرقانونی علیه زندانیان را، خواهان آزادی بی قید و شرط و محاکمه آنان در یک دادگاه علنی هستیم تا «سیه روی شود هر که در او غش باشد»

همانطوری که قبلن هم متذکر شده ایم مسوولین قضایی و زندان ها ضامن سلامتی و جان همه زندانیان می باشند

جان همه کنشگران کارگری، جان همه زندانیان دربند است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۲۴ خرداد

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



چرا حوادث کاری در ذوب آهن رخ می دهد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با عدم اطلاع رسانی و بررسی تحلیلی حوادث کاری اتفاق افتاده در ذوب آهن نمی توان از بروز بعدی این حوادث جلوگیری کرد. اینکه کارگران چرا قبل از بازنشستگی و یا کمتر ۱۰ دهسال بعد از بازنشستگی می میرند، مسایلی است که باید توسط بخش بهداشتی و درمانی ذوب آهن تحلیل و پیشگیری شود، که نمی شود.

غلامعباس معتمدی بیست روز مانده به بازنشستگی دچار حمله قلبی شد ایشان جوشکار مهندسی نت است. جوادحسین زاده از بخش مدیریت راه آهن و ترابری ذوب آهن از ناحیه ستون فقرات دچار آسیب دیدگی شده و تحت درمان قرار دارند. جان باختن علی سلیمانی آتشکار ارشد کوره بلند ذوب آهن در حادثه کار در کوره بلند.

اینها کمترین آماری است که ما داریم و فقط مربوط به یک ماه خرداد است. اما چرا این موارد پیشگیری نمی شود را باید در تعلل در بهسازی و تعمیرات دوره ای دانست.

کوره حرارتی نورد ۵۰۰ در ۲۲ اردیبهشت با وقفه ۵ ساله تعمیر شد. در حالی که بازه زمانی دوره تعمیراتی بین ۲ تا ۳ سال دارد. همچنین تعمیر اساسی جرثقیل شماره ۲ نورد ۵۰۰ که شارژ شمش به داخل کوره را انجام می دهد نیز بعد از وقفه ۵ ساله انجام شد.

با اتفاقات صورت گرفته در کوره بلند شورای معاونین ذوب آهن در اواخر خرداد این موارد را مصوب کردند: «حضور پررنگ تر کارشناسان ایمنی، خرید سفارشات در تعمیرات، ضرورت رعایت مسایل ایمنی و تامین وسایل ایمنی و بهداشتی» وقتی در ابر کارخانه ای مانند ذوب آهن متوسط عمر مدیریت ها ۳ سال است باید شاهد اینگونه اتفاقات باشیم. مدیرانی که گاه از جنس ذوب آهن نیستند.

تعدیل نیرو در کانی مس تحت مدیریت جدید

بنا به گزارش دریافتی از گزارشگر پیام سندیکا در مجتمع مس سرچشمه، شرکت کانی مس از زیرمجموعه های شرکت ملی صنایع مس ایران در بخش خصوصی، اخیرا دستخوش تحولاتی مدیریتی شده است. پیرو اطلاعات به دست آمده، آقای حق شناس (نوه ی آیت الله حق شناس) اخیرا به مدیریت عاملی شرکت کانی مس منسوب شده اند؛ ظاهرا ایشان در اولین اقدام خود، عزم اخراج ۷۰ نفر از نیروهای این شرکت را نموده است. تا کنون به برخی از نفرات، خبر اخراج داده شده و باقی مانده ی این لیست قریب الوقوع، در انتظار تعیین وضعیت هستند.

تاکنون خبر این تسویه حساب های انجام شده از طرف مقامات شرکت تائید نمی گردد و پرسنل کانی مس در شرایط بغرنج اجتماعی فعلی و تورم بی سابقه و مشکلات مالی، هر روز در انتظار این تصمیم نامناسب مدیریت هستند. امید است این شرکت متمول از تصمیم اخیر صرفنظر نموده و شرایط نابسامان نفرات کارگری خود را درک نماید.

گزارشگر پیام سندیکا-مجتمع مس سرچشمه

گزارش هایی از پروژه های نفت و گاز



۱- به پروژه هایی که ۱۰/۲۰ نیستند نرویم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت فولاد کوشان به سرپرستی قیصری و شرکت پارس قدرت به سرپرستی نادری در پتروپالایش کنگان سایت دو با افزایش ۲۵ درصدی حقوق به دیگر کارگران ولی با افزایش ۳۸ درصدی حقوق جوشکاران قانون را دور زده خود را به عنوان رعایت کننده ۱۰/۲۰ معرفی کند. در این شرکت فیتز، مونتاژکار، جوشکار ساپورت، اسکافل بند، تک زن، کمکی، هیچ کدام ۳۸ درصد افزایش حقوق نگرفته اند. همچنین شرکت کیان نصب فرداد که در نیروگاه فردوسی مشهد مشغول به کار است نه مرخصی طبق کمپین زده نه افزایش حقوق بر طبق کمپین را رعایت نموده است. به کارگران اعلام می کنیم پرونده این شرکت های خلافکار در دست بررسی مسئولین می باشد.

۲- شرکت های خلافکار را بشناسیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت جندی شاپور و پیمانکاران زیر مجموع اش متأسفانه همچنان ۶/۲۴ را به کارگران تحمیل کرده و حقوق های پرداختی هم اصلن طبق افزایش عرف بازار کار نیست. پیمانکاران این شرکت هم تحت حمایت جندی شاپور با تاخیر سه ماهه حقوق به کارگران پرداخت می کنند. این شرکت در عسلویه پتروشیمی پاد جم، تلمبه خانه شماره ۴، پالایشگاه شیراز، ایستگاه تقویت گاز اصفهان و یزد مشغول به کار است. این شرکت تا اطلاع بعدی تحریم کارگری است و هیچ کارگری برای کار به این شرکت مراجعه نکند که بیچاره خواهد شد. کارگران پروژه ای عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۳- اخطار به مسوولین شرکت جهانپارس!

به گزارش خبرنگار سندیکا، شرکت جهانپارس که در پتروشیمی بوشهر سایت یک مشغول به کار است و از پیمانکاران شرکت سازه پاد محسوب می گردد به مسئولیت مهندس کهزادی و سرپرست کارگاه مهندس ایرجی، متاسفانه با هشدارهای داده شده و با دور زدن قانون و ابلاغیه مدیر منطقه ویژه با کمترین حقوق کارگران را فریب داده و با وعده ۸ میلیون دعوت بکار می کنند اما در زمان پرداخت دستمزد کارگر با او ۷ میلیون تومان حساب کرده و از قرارداد هم خبری نمی باشد. شرایط کاری ۲۳ / ۷ میباشد و متاسفانه از افزایش حقوق تصویری دولت خبری نیست، و زمان پرداخت حقوق هم در ماه تاریخ مشخصی ندارد. ما مراتب ظالمانه شما را به بازرسان نفت و گاز و همچنین منطقه ویژه انعکاس داده ایم، تا دیر نشده حق و حقوق کارگران را آنطور که دولت در نظر گرفته تصحیح و پرداخت نمایید.

۴- مشکلات کارگری در پالایشگاه آبادان!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، با توجه به تلاش های صورت گرفته توسط اعضای سندیکای کارگران فلزکارمکانیک در پالایشگاه آبادان برای بهبود وضعیت کارگران این پالایشگاه و شکایت طرح شده توسط نماینده ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای از شرکت های موجود در این پالایشگاه که در حال بررسی است با خیر شدیم شرکت ای جی سی هنوز هم بر اساس ۶/۲۴ بیمه ها را واریز می کند و همچنین وضعیت غذا بسیار بد و خوابگاه خانه ای کوچک با نفرات زیاد می باشد. در دمای ۵۰ درجه نهار خورده و استراحت می کنند. بیمه ها را هم کارگر ساده رد می کنند. متاسفانه در این میان حقوق کمکی ها رو اصلن افزایش نیافته و ظلمی آشکار با ۸ میلیون تومان برای آنان می شود. به اطلاع کارگران می رسانیم که پالایشگاه آبادان جزو مورد اعلامی تخلفات بیشمار پیمانکاران به شرکت نفت بوده که پیگیر آن هستیم.

۵- اعتصاب برای ۱۰/۲۰

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، از امروز ۲۲ خرداد کارگران شرکت استیم در پتروشیمی اسلام آباد غرب دست به اعتصاب زدند. این کارگران خواهان اجرای قوانین ۱۰/۲۰ در این شرکت هستند از جمله عقب نیافتادن حقوق ها که از اسفند پرداخت نشده است. در این شرکت سرویس جابجایی کارگران وجود ندارد و کارگران خواهان سرویس های کولر دار طبق قوانین ۱۰/۲۰ هستند.

۶- خون بی گناه تو پرچم مبارزه ماست!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۲۳ خرداد ۱۴۰۱ در عسلویه پتروشیمی بوشهر شرکت سازه پاد پیمانکاری کیان نصب باز هم بی گناهی جانش را به خاطر سودجویی پیمانکار و بی مسوولیتی بازرسین وزارت کار از دست داد.



عباس منصوری به خاطر بسته نبودن گریتنگ که از ارتفاع ۲۰ متری به پایین پرت می شود در اصابت این گریتنگ ۱.۲۰×۱.۵۰ که از ارتفاع ۲۰ متری به پایین می آمد ضربه ای به سرش وارد شده و بی گناه می میرد. متأسفانه افسران ایمنی ها در این مورد ضعیف عمل می کنند. در اکثر سایت ها بجای بستن گریتنگ با بست مخصوص با سیم بسته شده اند که به مرور زمان سیم فرسوده می شود و باعث حادثه می گردد. در حال حاضر پالایشگاه آبادان یونیت ۵۶ و ۵۲ که شرکت سکاف در آنجا مشغول است تمام گریتنگ ها با سیم مفتول بسته شده اند. متأسفانه افسران ایمنی فقط کمر بند ایمنی و کلاه ایمنی دیده و چشم بر روی این موارد می بندند. عباس جان خون بی گناه تو پرچم مبارزه ماست!

۷- آخرین خبر از اعتصاب در استیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، سومین روز اعتصاب بیش از ۲۵۰ کارگر و پرسنل دفتری شرکت استیم در پتروشیمی اسلام آباد غرب در ۲۴ خرداد امروز رنگی دیگر گرفت. با دست از کار کشیدن کارگران طی دو روز گذشته دیروز حقوق معوقه فروردین ماه شرکت استیم با ۲۰ الی ۲۷ درصد افزایش پرداخت گردید که همچنان قابل قبول نیست و می بایست ۳۸

درصد اضافه حقوق ها لحاظ شوند. اعتصاب بخاطر مشخص شدن وضعیت مرخصی ۱۰/۲۰ و همچنین افزایش حقوق طبق مصوبه اداره کار در روز سوم ادامه داشت تا اینکه بعد از صحبت سرپرست کارگاه و پرسنل شرکت ،مقرر گردید تا روز شنبه جهت تعیین تکلیف شرایط کارگران طبق روال قبل به سرکار بازگشته و بنا به گفته سرپرستان و مدیران اگر شرایط حل فصل نشد تا زمان تصویب مقررات ۱۰/۲۰ وضعیت اعتصاب ادامه پیدا کند. طبق گفته مهندس افشار سرپرست کارگاه و طبق اسناد ارائه شده تاکنون ۷ نامه به مدیریت دفتر تهران ارسال گشته که متأسفانه جوابی دریافت نشده است. کارگران به احترام شخصیت و قول مهندس افشار امروز به سرکار بازگشتند تا روز شنبه. شرکت استیم اجرای قوانین ۱۰/۲۰ را در پتروشیمی بوشهر بعد از دیدار نماینده کارگران پروژه ای آقای مازیار گیلانی نژاد با مدیر منطقه ویژه در ۱۰ اردیبهشت مجبور به اجرا گردید. اما این کار را در پتروشیمی اسلام آباد غرب نمی کند. ما ضمن آرزوی موفقیت برای این همکاران خود از هیچ کوششی برای موفقیت آنان دریغ نخواهیم کرد.

کارگران پروژه ای عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۸- اعتصاب در آتیه سازان پرشیا!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ۵۰ نفر از کارگران در شرکت آتیه سازان پرشیا دیروز ۲۶ خرداد بخاطر قبول نکردن شرایط کمپین ۱۰/۲۰ دست به اعتصاب زدند. کارفرما تسویه این افراد را داد. کارگران در اعتراض به شرایط ۸/۲۲ که شرکت اعمال کرده دست به اعتصاب زده بودند. برای تعدادی از کارگران اخراج شده ۲ میلیون واریز شده ولی مابقی نیروها در خوابگاه مانده اند تا واریزی برای همه صورت پذیرد. این شرکت با توجه به اینکه تخلفاتش به بازرسان وزارت نفت و گاز ارسال و در حال بررسی می باشد، هنوز روی تخلفاتش در خصوص نادیده گرفتن حق و حقوق کارگران بی جهت ایستادگی می کند. لذا بدین وسیله به همه کارگران اطلاع رسانی می شود که این شرکت تحریم نیرو میباشد و به هیچ عنوان پشت به برادران خود نکرده و برای کار به این شرکت خلافاً مراجعه ننمایند.

کارگران پروژه ای عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۹- پیمانکاران دغکار را بشناسیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت سپیددانه زیر نظر ماشین سازی در گل گهر سیرجان به سرپرست کارگاهی علی امینی با دروغگویی کارگران را به سرکار کشیده و آنان را استثمار می کند. اول می گوید حقوق ۱۸ میلیون تومان و 20/10 برای فوتر وقتی مشغول به

کار شدند بعد از ۱۰ روز می گویند حقوق شما ۱۰ میلیون و ۸/۲۲ است. و به این ترتیب بصورت مجانی از کارگران کار می کشند. همچنین در پتروشیمی کیمیا شرکت آبادراهان پیمانکار محمدی بعد از آنکه نیرو سرکار برده به شرکت نامه زده است که کارگران قبول کرده اند بعد از ۲۰ روز پس از دریافت صورت وضعیت حقوقشان پرداخت شود و هم اینکه کسانی که کمتر از یک ماه کار کرده اند هزینه کفش و لباس از آنان کسر خواهد شد. در حال حاضر 30 کارگر این پیمانکار دغلکار بدون گرفتن پول سرگردان هستند. توصیه ما به کارگران این است که تا زمانی که پول خود را از چنین پیمانکارانی نگرفته اند از کارگاه بیرون نیامده و بازرسی منطقه ویژه آقای مهندس حاجیان را در جریان بگذارند. در ضمن خیلی واضح هست جوشکار وقتی تست داد باید قراردادش رو ببندد و فیتز هم نهایت ۲ روز بعد از کار کردن. این ترفند پیمانکاران است که قرارداد نبسته تا حسابی از نیرو کار بکشند آخرش هم می گویند: «این حقوقه میخوای بخوای نمیخوای هم خداحافظ» دوستان دیگر بعد از این همه آموزشی که از سوی سندیکا داده می شود نباید گول چنین فریبکاری هایی را بخورند. این دو پیمانکار تا اطلاع بعدی تحریم نیرو هستند و کسی برایشان کار نکند.

۱۰- برای شرکت های خلافاکار کار نکنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت پارس قدرت افزایش حقوق اعلام شده توسط وزارت کار و مدیر منطقه ویژه را اعمال نکرده است. کارگران کمکی زیر ۸ میلیون حقوق می گیرند. افزایش حقوق ۵۰۰ هزار تومانی برای کمکی ها از خرداد می خواهد پرداخت کند. کارگری هم که اعتراض کند اخراج می کند. این شرکت خلافاکار در سایت یک بوشهر، پارس پنل، آرین متانول، پتروشیمی کنگان در حال کار است. برایش کار نکنیم. دوستان پرونده این شرکت خلافاکار در شرکت نفت در حال بررسی است. در ضمن مطلع شدیم شرکت آتی سازان پرشیا که ضلع شرقی فاز ۱۹ کار میکنند و به دلیل تخلفاتش تحریم نیرو شده برای استخدام جوشکار آگهی کار داده است. «به تعدادی جوشکار ۳ جی و ۴ جی و ۴ نفر کمکی جهت کار در بندر کنگان (۲۰ روز کار ۱۰) (روز مرخصی کسی بود زنگ بزنه» لطفن دوستان جوشکار برای این شرکت کار نکنند چون طبق کمپین ۱۰/۲۰ رفتار نمی کند

۱۱- با فریبکاری شرکت های خلافاکار آشنا شویم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت نصب نیرو واقع در بوستان نیروگاه سیکل ترکیبی به سرپرستی پروژه شهپازی و با فرمنی علی رحیمی کماکان از مقررات کمپین ۱۰/۲۰ سرپیچی کرده و به کارگرانش کمکی هشت میلیون، تک زن نه میلیون تومان، جوشکار شانزده میلیون، فیتز چهارده میلیون، داربست بند سیزده میلیون پرداخت می کند. در اعتصاب سال گذشته کلیه نیروهای داربست بند را تسویه داد بدون هیچ پرداختی و به زور

به کلانتری کشاند تا باقی نیروها به اجبار سرخم کنند و اعتصاب بشکند. سرپرست پروژه شهبازی و فرمنش علی رحیمی نه قرارداد می‌بندند و نه حقوقی که طبق اداره کار اعلام شده را رعایت می‌کنند. هنوز بیست ده هم نشده اند. شرکت هر روز بیست نیرو می‌گیرد و سر دو یا سه ماه که از کارگر کار کشید با قول های بی پشتوانه که: «قرارداد باید از تهران بیاد» سرکارگر را گرم می‌کنند و بعد از سه ماه نیرو را تسویه داده دوباره همین روند ادامه پیدا می‌کند. دوستان کارگر برای کار به این شرکت دروغگو مراجعه نکنند.

۲-۱. آغاز اعتصاب داربست بندها در عسلویه!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، از مدتی پیش جمعی از داربست بندها و کارگران سویل اقدام به اعلام کمپین از اول تیرماه نموده اند. کارگران این رشته ها از مزایای کمپین ۱۰/۲۰ برخوردار نشده اند لذا تصمیم گرفته اند دست به اعتصاب بزنند. داربست بندهایی که هر روز با زندگی خود بازی می‌کنند و حقوقی که دریافت می‌کنید = پول خونتان است. امروز ۳۱ خرداد داربست بندهای شرکت ساختار صنعت از آراین متانول عسلویه آغازگر کمپین شدند. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران همراه و پشتیبان شماست.

۳-۱. بعد از داربست بندها، تست من ها هم اعتصاب می‌کنند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران تست من هم از ۵ تیرماه دست به اعتصاب خواهند زد. این کارگران هم در اعتراض به مناسب نبودن دستمزدهایشان به یک اعتصاب سراسری دست خواهند زد. بعد از شرکت ساختار صنعت از آراین متانول عسلویه که دیروز آغازگر اعتصاب بود و خبرو عکسش هم درج شد امروز اول تیرماه داربست بندهای سایت ۱ و ۲ پتروشیمی بوشهر، پتروشیمی کیان، پتروپالایش کنگان، پتروشیمی دماوند، سایت ۲ کنگان

فاز ۱۴ و پیمانکاری های حاجی پور، شرکت رستاک پویا، شرکت فراسکو، پیمانکاری شهبازی، پیمانکاری مطوری، شرکت ایده سازان، شرکت پایندان، شرکت اکسیر صنعت نیز دست به اعتصاب زدند. کارگران خواستار بیست روز کار و ده روز استراحت و افزایش دستمزد هایشان به میزان ۳۸ درصد اضافه حقوق بر مبنای لیست اعلامی حقوق کمپین ۱۰/۲۰ سال ۱۴۰۰، یعنی اگر بطور مثال جوشکاری در سال گذشته حقوق کمپینی اش ۲۵ میلیون تومان است باید این حقوق در ۳۸ درصد ضرب شود که می شود ۳۵ میلیون تومان برای ۲۰ روز کار. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران حامی این اعتصابات است و همه امکاناتش را برای پیروزی به کار خواهد بست. کارگر برادر کارگر.

۱۴- اعتصاب در بوستانو!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در پی تصمیم ناخردانه مسوولان نیروگاه بوستانو کارگران پروژه ای این نیروگاه از ۳۱ خردادماه دست به اعتصاب زدند. مسوولان نیروگاه بوستانو به کارگران اعلام کرده اند ۱۰/۲۰ را اجرا می کنیم به شرط آنکه عیدی و سنوات را حذف کنیم. این در حالی است برخی از کارگران تا ساعت ۱۲ شب سرکار هستند. با این اقدام مسوولان نیروگاه بوستانو کارگران دست به اعتصاب زدند. کارگران خواستار حقوق اردیبهشت و خرداد خود هستند و تا اجرای دقیق ۱۰/۲۰ دست از اعتصاب بر نخواهند داشت.

۱۵- کارگران برای شرکت های خلافکار کار نکنند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پیمانکار پایپینگ مرادی واقع در پتروشیمی سلمان فارسی ماهشهر به کارگران کمکی با ۲۴ روز کارکرد ۶ میلیون ۵۰۰ هزار تومان حقوق میدهد. در حالی که حقوق کمکی طبق مقررات کمپین ۱۲ میلیون تومان برای ۲۰ روز کار است. کارگرانی که برای پیمانکاری کیانپور شرکت جهانپارس فروردین ماه و اردیبهشت کار کرده اند نه تنها حقوقشان را دریافت نکرده اند بلکه پیمانکاری کیانپور آنان را به شرکت جهانپارس حواله داده و شرکت هم به کیانپور. کارگران مانده اند و جیب خالی و سرگردانی. به این کارگران توصیه می کنیم به بازرسی منطقه ویژه آقای مهندس حاجیان مراجعه کرده مشکل را بگویند و نتیجه را هم به سندیکا اعلام کنند. کارگران یوسف فرهادی مالک شرکت آسیاسالار پیمانکار کشتی سازی صدرای بوشهر نه تنها ۱۰/۲۰ را اجرایی نکرده است بلکه عیدی و سنوات را هم از کارگرانش دریغ می کند. به کارگر جوشکار برق آرگون ۲۲الی ۲۳ میلیون تومان به ازای ۲۴ روز کار دستمزد می دهد. حقوق اسفند هم تاکنون پرداخت نشده است. به آقای صادق فرهادی فورمن جوش می گوییم شما خودتان روزی کارگر بوده اید پس به کارگران ظلم نکنید. به دوستانی که با این کارگران در تماس هستید پیشنهاد می

کنیم مقررات کمپین ۱۰/۲۰ را به این کارگران یادآور بشوند تا آنان نسبت به حقوق خود آگاهی پیدا کرده و زیر بار این بی قانونی ها نروند. ما در آینده ای نزدیک گزارشی از این کشتی سازی را به وزارت کار و بازرسی خواهیم داد.

۱۶- اعتصاب در شرکت پادجم عسلویه!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۲ تیرماه ۵۰۰ کارگر از جمله فیتران شرکت پادجم عسلویه که زیر نظر شرکت اکسیر صنعت کار می کنند اعتصاب کردند. خواسته این کارگران اجرای مقررات کمپین ۱۰/۲۰ است. افزایش حقوق امسال طبق ابلاغیه وزارت کار و مدیر منطقه ویژه اجرایی نشده است و پیمانکاران با ترفندهای گوناگون از زیر بار حقوق قانونی کارگران شانه خالی می کنند. متأسفانه در این میان ۱۰ جوشکار با کارگران دیگر همراهی نکرده و بصورت اعتصاب شکن عمل کرده اند. ما به این افراد هشدار می دهیم هرچه زودتر با دیگر کارگران همراه شوند قبل از اینکه نامشان را اعلام کنیم.

۱۷- دستورات غیرقانونی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت استیم در پروژه اسلام آباد غرب به دلیل شرایط مالی نامساعد و همچنین نبود متریال و ابزار کار به دستور مستقیم مدیرعامل و مدیر پروژه اکثر نفرات را به مرخصی اجباری فرستاده اند. همچنین در رابطه با اعتراضات اعلام کرده اند وضعیت به روال ۶/۲۴ کماکان باقی و افزایش حقوق ها نیز همان چیزی است که اعمال شده (۲۰ تا ۳۸ درصد) ضمناً روزهای تعطیلی کارگاه به علت گرد خاک یا شرایط نامساعد جوی کارکردی برای کارگران لحاظ نمی گردد. در حال حاضر از هر واحد یک نفر تا اطلاع ثانوی مشغول بکار میباشند. این دستورات غیرقانونی برای ایجاد سود بیشتر برای شرکت و کم کردن دریافتی کارگران است تا کارگران را مجبور کنند در شرایط سخت و غیرانسانی کار کنند. طبق قانون کار روزهایی که به هر دلیلی کارگر بنا به دستور کارفرما کار نمی کند باید دستمزدش پرداخت شود. آگاهی خود را از قوانین مربوط به مسایل کارگری بالا ببریم و به همه کارگران آموزش بدهیم.

۱۸- داریست بندها و تست من ها در اعتصاب!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۴ تیرماه کارگران پروژه ای شاغل در شرکت IGC و آبادراهان دست به اعتصاب زدند. این کارگران در فاز ۲ پالایشگاه آبادان کار می کنند. این کارگران که شامل داریست بند و تست من ها به اضافه کمکی های خود هستند در اعتراض به اجرا نشدن قوانین کمپین ۱۰/۲۰ دست به اعتصاب زدند. این کارگران در پیمانکاری های

کرامت و مهدی سلحشور و پیمانکاری علوی کار می کردند. بخشی از کارگران پروژه‌ای شاغل در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی طی اعتصاب سراسری سال گذشته موفق به تحقق کامل خواسته‌های خود نشده بودند با تأکید بر افزایش دستمزد مطابق لیست پیشنهادی خود و اجرای نوبت‌کاری ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت، شروع دور جدیدی از اعتصاب در روز ۵ تیرماه را اعلام کرده‌اند. تخلف شرکت iGC به پیمانکاری سلحشور این است که می‌خواهد که کار **renested** که شغل فیتز است را بگذارد به عهده تست من تا فیتزهایش را اخراج کند. حقوق فیتز ۲۳ میلیون است و روزی ۴۰ اینچ آمار می‌دهد در حالی که تست من حقوقش ۱۶ میلیون است. فشار آورده اند که روزی باید ۸۰ اینچ آمار بدهند با چکش کاری و تحویل نظارت یعنی ۸۰ اینچ فیتاب. ۱۶۰ اینچ چکش کاری با پتک ۱۰ کیلویی اگر کارگر تحویل ندهد باید اضافه کاری کند. هر کارگری هم که این ظلم را نپذیرد می‌گویند تسویه اش را بدهید. به همه کارگران تست من و داربست بند اعلام می‌کنیم هیچکس حق ندارد به جای کارگران اعتصابی کار کند وگرنه نامش را افشا خواهیم کرد. کارگران اعتصابی تا پذیرفته شدن خواسته هایشان در خانه بمانند. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران از خواسته های به حق شما حمایت می کند .

۱۹- اطلاعیه کمپین داربست بندی!

باتوجه به شرایط حاضر و تورم اقتصادی و همچنین یکسان سازی نرخ های حقوقی جدید توسط تیم مدیریتی کمپین اعم از نماینده استادکارهای محترم، سرپرست سوپروایزرهای فرمن محترم و نمایند کمپین تهیه و تنظیم شده امیدوارم که حمایت کامل داربست بندها را داشته باشد. هیچ شخصی زیر حقوق کمپینی اعلام شده مشغول به کار نباید بشود:

-داربست بند در کارهای سنگین سقف و تاور ۲۵ میلیون بابت ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی

-داربست بند در کارهایی پایپینگی ۲۲ میلیون بابت ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی
-کمکی داربست بند ۱۵ ملیون بابت ۲۰ روز کار ۱۰ روز مرخصی

تیم مدیریت کمپین داربست بندها سال ۱۴۰۱

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران از این اطلاعیه حمایت می کند.

۲۰- اعتصاب در پالایشگاه تندگویان تهران!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۶ تیرماه کارگران اورهال پالایشگاه تهران به دلیل افزایش ساعت کاری و همچنین کمی دستمزد دست به اعتصاب در محوطه پالایشگاه زدند. این کارگران روزی ۵۰۰ هزار تومان دستمزدشان است در حالی که دستمزد کارگر اورهال از ۱/۵ میلیون تومان به بالاست. متأسفانه کارگران پروژه ای که در کرج، تهران، ساوه کار می کنند تلاشی برای اجرای مقررات کمپین ۱۰/۲۰ تاکنون نکرده اند و با این دستمزدهای پایین کار می کنند.

۲۱- اعتصاب برنده ترین سلاح طبقه کارگر! (۱)

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، با توجه به اعتصاب چند روزه تست من های پالایشگاه آبادان پیمانکاری کرامت سلحشور، متأسفانه اعتصاب شکن هایی به جای برادران خود سرکار رفته اند. کرامت سلحشور گفته: «آقا من کار تست ندارم برین کار فیتز انجام بدین» کارگران هم پاسخ داده اند: «حقوق فیتزی می خواهیم» ناگفته نماند که ایشان پیمانکار نیست و فقط نیرورسان هستند که از حقوق کارگران کسر می کند. به اعتصاب شکن ها می گوئیم اگر کارگاه را ترک نکنند نامشان را در گروهها و شهرشان به عنوان خانن به برادران خود پخش خواهیم کرد. کارگران می دانند برنده ترین سلاح طبقه کارگر در مقابل ظلم کارفرمایان اعتصاب و همبستگی کارگری است.

۲۲- اعتصاب و همبستگی برنده ترین سلاح طبقه کارگر! (۲)

کارگران شرکت ایران افق دهلران (پایدار غرب آبان و تعمیرات چشمه خوش) در اعتراض به عدم پرداخت حقوق دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. حقوق کارگران ۳ ماه عقب افتاده است و حقوق رانندگان هم ۵ ماه است پرداخت نشده است. کارگران می دانند برنده ترین سلاح طبقه کارگر در مقابل ظلم کارفرمایان اعتصاب و همبستگی کارگری است.

۲۳- اعتصاب برنده ترین سلاح طبقه کارگر!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، با توجه به اعتصاب چند روزه تست من های پالایشگاه آبادان پیمانکاری کرامت سلحشور، متأسفانه اعتصاب شکن هایی به جای برادران خود سرکار رفته اند. کرامت سلحشور گفته: «آقا من کار تست ندارم برین کار فیتز انجام بدین» کارگران هم پاسخ داده اند: «حقوق فیتزی می خواهیم» ناگفته نماند که ایشان پیمانکار نیست و فقط نیرورسان هستند که از حقوق کارگران کسر می کند. به اعتصاب شکن ها می گوییم اگر کارگاه را ترک نکنند نامشان را در گروهها و شهرشان به عنوان خانن به برادران خود پخش خواهیم کرد. کارگران می دانند برنده ترین سلاح طبقه کارگر در مقابل ظلم کارفرمایان اعتصاب و همبستگی کارگری است.

۲۴- دادخواهی از سندیکا!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا نامه ای از سوی کارگران پروژه ای پتروشیمی سایت ۱ بوشهر از شرکت جهانپارس برای سندیکا ارسال شده که دغلکاری پیمانکاران را افشا می کند: «سلام وقت بخیر ما حدود شصت نفر جوشکار، فیتز، کمکی و فورمن بودیم که برای آقای سرورکیانپور در پتروشیمی سایت ۱ بوشهر شرکت جهانپارس کار می کردیم. اول برج ۳ کار را تحویل داد و همه را اخراج کرد. قرار بود ۱۵ خرداد کل پول ما را بدهد. همه به ایشان اعتماد کردیم و آقای زوارقربانی رییس کارگاه قول شرف دادند که پرداخت خواهد شد، که نشده. این راهم بگویم که شرکت جهانپارس واقعا بی در و پیکره. رییس کارگاه شرکت آقای ایرجی واقعا ادم بی شخصیت که حتا به خودش اجازه نمیدهد بیاید و با کارگران حرف بزند. کارگر را افغانی خطاب میکند. ما هم نه برج یک و نه برج دو یک ریال نگرفتیم» این گوشه کوچکی از ظلمی است که به کارگران می شود و شرافت رییس کارگاه را هم معلوم می کند. کارگران باید قبل از خروج از کارگاه حداقل چک تسویه خود را بگیرند و یا اینکه تسویه حساب نقدی کرده کارگاه را ترک کنند. در حال حاضر با نوشتن نامه و جمع آوری امضا و ارسال آن به بازرسی منطقه ویژه آقای حاجیان می توانند پیگیر حقوق قانونی خود باشند.

۵۲- شرکت آبداراهان پروژه گوره به جاسک خلافتکار!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت آبداراهان مجری پروژه خط لوله گوره به جاسک ناظم کشاورز جانشین مدیر پروژه هنوز حقوق فروردین کارگانش را پرداخت نکرده است و سه ماه عقب افتادگی دارد. این شرکت که در پست برق ۱۳۲ کیلو تلمبه خانه ۱ اهرم که تمام شد، پست برق ۲۳۰ کیلو تلمبه خانه ۲ گوره، پست برق ۴۰۰ کیلو خورموج، پست برق ۲۳۰ کیلو دیلم، نصب و سیم کشی دکلها بین گوره و کاره مرکزی هم در دیلم است فعالیت می کند. با آنکه طبق دستور وزارت کار می بایست ۳۸ درصد به حقوق ها اضافه کند فقط ۳۱ درصد آن را عملیاتی کرده اند. نفرات دفتر فنی بین ۵ تا ۷ میلیون تومان به حقوقشان اضافه شده است. البته چون مصوب دولت حق مسکن ۶۵۰ هزار تومانی را غیرقانونی ۵۵۰ هزار تومان کرد این شرکت هم ۱۰۰ هزار تومان از حق مسکن ها کم کرده و قراردادهای را باز نویسی کردند و نسخه ای هم به کارگران نداده اند. در این شرکت کارگران ۶/۲۴ بوده و روزانه ۱۰ ساعت کار می کنند. به تازگی هم از نیروی افغان استفاده میکنند تا سود بیشتر ببرند. وضعیت خوابگاهها افتضاح است. بیمه کارگانش را با دغلبازی کارگر ساده رد می کند. به جای گرفتن سرویس های رفت و آمد کوئلر دار، سواری خود پرسنل را با روزی ۵۰ هزار تومان کرایه کرده اند. چند ماهی است که نهار بهتر شده چون رستورانها قراردادهای را لغو کرده اند. شام و صبحانه قبلا روزی ۲۰ هزار تومان می دادند که در حال حاضر غذا می خردند و به خوابگاهها ارسال می کنند. سوسیس، عدس، مرغ یکبار در هفته، تخم مرغ... اینها غذای کارگران است. این شرکت مخالف کمپین ۱۰/۲۰ است و پارسال مطرح می کردند که: «مراقب باشید کمپین بیست ده به کارگاه نرسد وگرنه تسویه تون رو میدیم و از نون خوردن می اندازیمتون» پروژه ای که ۴۲ میلیون یورو قراردادهای اینگونه با کارگانش رفتار می کند تا سود بیشتری برده و کارگانش هم بیشتر فقیر و برده وار کار کنند. به اطلاع دوستانی که در این پروژه کار می کنند می رسانیم موارد تخلف این شرکت را به بازرسان شرکت نفت از سوی سندیکا اعلام خواهد شد و نماینده ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای مازیارگیلانی نژاد هم پیگیری است. متحد باشیم، موفقیم

۲۶- بدون اتحاد موفق نخواهیم شد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در حالی که ۴ روز از فراخوان اعتصاب *کمپین گروه رنگ و عایق پروژه* می گذرد تنها نزدیک به ۲۰۰ نفر از کارگران با آن همراهی کرده اند. متأسفانه دو دسته شدن همکاران رنگ و عایق، سندبلاست کار و دیگر مشاغل این گروه ها، که یکسری به علت رضایت نداشتن از شرایط کاری و حقوق های پانین در اعتصاب و در منزل بسر می برند و گروهی هم متأسفانه در کلیه پروژه ها با شرایط نامساعد

و حقوق‌های پانین مشغول به کار هستند. این گروه پارسال هم با اعتصابیون کمپین هم‌کاری نکرده و بجای برادران خود مشغول به کار شدند و با شرایط نامساعد و حقوق‌های پانین پشت به کمپین کرده و باعث شدند که در پروژه‌های مختلف همکاران رنگ و عایق و سندبلاست و کلیه مشاغل مربوط به این گروه، هنوز که هنوزه، با شرایط ۲۴/۶ ویا ۸/۲۲ و با حقوق‌های پانین مشغول به کار باشند. و این خیانت به بقیه برادران و هم‌لیاس‌های خود که در منزل نشسته‌اند، و خانواده‌های خودشان است. پای صحبت هم که پیش می‌آید،، گله مند هستند که چرا حقوق آنها هم مثل جوشکارها و فیترها افزایش پیدا نکرده است. برادرانی که حاضر نیستید در اعتصابات شرکت کنید و برای بدست آوردن حق و حقوق واقعی خود تلاش کنید، این را بدانید که «حق گرفتنی است» و تا زمانی که برای خودتان ارزش قائل نباشید و با هر شرایط و حقوقی تن بکار بدهید، هیچ پیمانکار و شرکتی هم بی جهت حقوق شما را بالا نخواهد برد. اگر اکپ‌های جوشکار و فیتز موفق شدند و شرایط را به نفع خودشان عوض کنند، آنها همه با هم و همصدا در اعتصابات شرکت کرده و برای گرفتن حق و حقوق واقعی خود یکدست و یک صدا تلاش کردند. بدون هیچ کلک و دغلبازی. تا زمانی که پشت به کمپین کرده و با هر شرایطی حاضر بکار هستید، آتش همین آتش و کاسه همین کاسه است.

حداکثر سقف ساعت کار روزانه در قرارداد های ساعتی چند ساعت می باشد؟

❖ قرارداد های ساعتی بر مبنای توافق طرفین کارگر و کارفرما که از اسمش پیداست، طرفین بر اساس درخواست مشترک ساعاتی از روز را برای انجام کار معین توافق می کنند و اصل بر رضایت طرفین می باشد ولی سقف قانون طبق ماده ۵۱ قانون کار از ۸ ساعت در شبانه روز نباید تجاوز کند مگر با توافق طرفین و از ۴۴ ساعت در هفته نباید تجاوز نماید.

دستاوردهای درخشان اعتصابات کارگران پروژه ای نفت و گاز، پتروشیمی، نیروگاهی

طی ۷ سال کار در میان کارگران پروژه ای در عرصه های نفت و گاز، پتروشیمی، نیروگاهی، امروز سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران را به چنان درجه از اعتباری رسانده که بیش از ۲۰۰ هزار کارگر پروژه ای با این نام آشنا و آن را محلی برای دادخواهی و مبارزه یافته اند.

بعد از تجمع کارگران پروژه ای در چهارراه عسلویه در سال ۱۳۹۷ که با آرم و نام سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و فدراسیون جهانی ایندستریال صورت گرفت و منجر به دستگیری ۵ تن از فعالین این این تظاهرات شد. تحلیل ما از این واقعه شکست نبود، بلکه هیمه آتشی بود که تکه تکه شده و هر تکه آن در گوشه ای از پروژه ها روشنایی بخش اذهان کارگران گردید. تجربه با اهمیتی بود که شناخت ما را از اوضاع منطقه، رزمندگی کارگران پروژه ای را عمق بخشید و سنگ بنای حرکت های بعدی سندیکایمان در پروژه ها شد. آموزش، انتقال تجربه، گفتگو با کارگران پروژه ای بعد از تجمع تیرماه و همچنین انباشته شدن مطالبات این کارگران در سال ۱۳۹۹ نقطه آغاز اعتصابات بود که به «کمپین» میان کارگران معروف شد. وضعیت بد رفاهی، توهین به شعور و شخصیت کارگران متخصص با دستمزدهای ۴ میلیونی و هزینه سنگین گذران زندگی، فعالین سندیکایی فلزکارمکانیک در پروژه ها را به این تصمیم رساند که باید اعتصابات سراسری افزایش دستمزدها و بهبود شرایط کار را آغاز کرد.

از اول ماه مه ۱۳۹۹ فعالین با ارتباط هایی که با کارگران در سراسر پروژه ها داشتند و نظرسنجی های مرتب از کارگران و جو کارگاهها ما را به این نتیجه رساند که می توان اول مرداد ۱۳۹۹ را به عنوان روز اعتصاب اعلام کرد. هماهنگی ها انجام شد. به کارفرمایان لیست افزایش حقوق ها داده و به فدراسیون جهانی هم اطلاع رسانی گردید. به کارگران گفته شد کارشان را به مرحله ای برساند که بتوان حقوقش را دریافت کرد. فدراسیون جهانی اینداستریال هم در روز ۳۱ تیرماه طی اطلاعیه ای از این اعتصاب حمایت کرد. در روز اول مرداد کارگران با زمین گذاشتن ابزارکار و خروج از کارگاهها اقدام به اعتصابی سراسری که همه رشته های پروژه ای را در بر می گرفت، کردند. طی ۲۰ روز ۴۵ هزار کارگر از نیروگاه ارومیه گرفته تا کارگران پروژه ای مشهد و بندرعباس و عسلویه تا ایلام و کنارک را در بر گرفت. این کارگران با شعار « عقب افتادن دستمزدها هرگز، افزایش حقوق طبق لیست کمپین» ۵۰ روز دست به اعتصاب زدند. حقوق هایی که گاه تا ۶ ماه و یا بیشتر عقب می افتاد (پالایشگاه نفت ستاره خلیج بیش از ۶ ماه و شرکت کیسون تا یکسال همیشه عقب افتادگی دستمزد داشتند) به روز شد. رهبران کارگری در ارتباطاتی که با شرکت ها داشتند

پرداخت حقوق معوقه را شرط مذاکره گذاشتند. کمپین افزایش حقوق حقوق سال ۱۳۹۹ در ۴۰ درصد شرکت‌ها اجرایی شد. شرکت‌های بزرگی چون فلات قاره این شرایط را پذیرفته و کار را برای رهبران اعتصابی در مورد دیگر شرکت‌هایی که هنوز کارگزارانشان طبق کمپین دستمزد نمی‌گرفتند، را آسان‌تر کردند تا این شرکت‌ها را هم وادار به اجرای افزایش حقوق طبق لیست کمپین کنند.

تحریم‌های کارگری سندیکا، آموزش‌های خوبی برای مقابله با ترفندهای دغلکارانه کارفرماها بود. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک مغز متفکر و اتاق فکر اعتصاب بود و فعالینش رهبران میدانی اعتصاب.

از اوایل مهر ۱۳۹۹ تاکنون دیگر کمتر شاهد عقب‌افتادن حقوق‌ها به بیش از ۲ ماه هستیم و کارگران یاد گرفته‌اند که سریع دست به اعتصاب زده و سندیکا را با خبر کنند تا از آنان حمایت همه‌جانبه کند. کارفرماها برای اینکه نامشان در اخبار سندیکا ذکر نشود بسیار محتاطانه عمل می‌کنند و بارها به کارگران گفته‌اند موضوع اعتصاب را به سندیکا خبر ندهید تا زودتر مطالباتان نتیجه بگیرد. اما کارگران که در سندیکای کارگران فلزکار حامی بی‌بدیلی را دیده‌اند، این ترفند کارفرمایان را گوش نمی‌کنند.

در کمپین سال ۱۳۹۹ حقوق یک جوشکار از ۴/۵ میلیون تومان به ۱۳ میلیون تومان رسید. هیچ کارگری در پروژه‌های نفت و گاز و نیروگاهی نبود که دستمزدش در سراسر ایران بعد از کمپین افزایش نیافته باشد. البته تعدادی از رهبران سندیکایی اعتصابی دستگیر و مسوول سندیکا هم احضار شد، اما پیروزی اتفاق افتاده چنان درخشان بود که این هزینه در کنار آن پیروزی هیچ بود. بعد از اعتصاب متأسفانه به دلیل شرایط سختی که کارفرمایان و حراست برای رهبران اعتصابی به وجود آوردند، تنی چند از این رهبران برای همیشه از پروژه‌های نفت و گاز بیرون رفته و توان جنبش کارگری کاسته شد اما به سرعت جای این فداکاران جنبش کارگری با کارگران آموزش‌دیده سندیکایی پر شد. در این اعتصاب کارگران متوجه قدرت بی‌نهایت خود شدند که مهمترین درس اعتصاب بود. در این اعتصاب همه رشته‌های پروژه‌ای از متخصص تا کمکی با هم اعتصاب کرده و با هم به سرکار برگشتند.

شور و نشاطی که بعد از این اعتصاب کارگران را فرا گرفت، شخصیت کاری و اجتماعی و صنفی کارگران را ارتقا داد و برای اولین بار نام سندیکا به گوش بیش از ۷۰ هزار کارگر در سراسر ایران در آن سال پیچید. درس‌های این اعتصاب:

۱- آگاهی یافتن کارگران از قدرت اتحاد خود

- ۲- برچیده شدن بساط عقب انداختن دستمزدها به مدت طولانی و به روز شدن حقوق ها
- ۳- تحریم های کارگری به حربه موثری علیه کارفرمایان بدحساب و دغلکار به کار گرفته شد که همچنان ادامه دارد
- ۴- گسترش ارتباط کارگران با سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و رهبران میدانی آن
- ۵- افزایش حقوق ۱۰۰ درصدی

یاد و نام رهبران ارزشمند این اعتصاب بزرگ را گرامی می داریم و به فداکاران این عرصه چون زنده یادان شهرام محمدی، مسعود بهادری، پدram پارسایی، درود می فرستیم.

بخش دوم (کمپین ۱۰/۲۰)

بعد از اجرایی شدن کمپین سال ۱۳۹۹ از اواخر این سال با اطلاعیه های بی نام و نشانی که با لجن پراکنی علیه سندیکا و رهبران آن از جمله ارسلان امینی طراح کمپین و مازیار گیلانی نژاد مسوول سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران شدیم که به دنبال کم اثر جلوه دادن دستاوردهای کمپین و به نوعی ترور شخصیت کمپین ۱۳۹۹ بود. در نهایت افرادی با فعالان سندیکایی در پروژه ها تماس گرفته و خواهان اعلام کمپین دیگری در فروردین ۱۴۰۰ بودند که با درایت سندیکا اعلام گردید: «باید دستاوردهای کمپین افزایش حقوق و عقب نیفتادن دستمزدها را تثبیت کرد بعد به دنبال اعتصابی دیگر بود» با نظر سنجی هایی که صورت گرفت کارگران پروژه ای هنوز هم از حقوق خود ناراضی بودند به ویژه روزهای استراحت خود را که با ترفند کارفرمایان به کمتر از ۴ روز در ماه به ۶/۲۴ می رسید. موضوع روزهای استراحت و افزایش دستمزدها خواسته غالب کارگران بود. متأسفانه عده ای برای آنکه شهرتی بهم بزنند پیش دستی کرده کمپین ۱۰/۲۰ را در اول تیرماه کلید زدند. در حالی که رهبران کمپین و سندیکا روز اول تیرماه را نامناسب می دانستند چون انتخابات ریاست جمهوری در پیش بود و همه مسوولین درگیر این اتفاق سیاسی شده بودند و کسی پاسخگو نبود. اکثر شرکت ها هم خواهان رکود در پروژه های نفتی برای تعیین تکلیف وزیر نفت و معاونین آن شده بودند. با اعلام زود هنگام کمپین ۱۰/۲۰ رهبران سندیکایی حاضر در پروژه ها به سرعت موضوع را با سندیکا در میان گذاشته و سندیکا دستور همراهی با اعتصاب را اعلام کرد. با هماهنگی و اطلاع رسانی تا آخر تیرماه حدود ۱۱۰ هزار کارگر در اعتصاب شرکت کرده بودند.

پیمانکاران و شرکت های نفتی که در کمپین قبلی غافلگیر شده بودند این بار به سرعت با بخشی از کارگران وارد مذاکره شده جوشکاران و فیترها را از دیگر رشته ها جدا نموده با آنان به مذاکره نشستند که از طرف نادانان به «مجامع عمومی کارگران» نامگذاری می شد. با آنکه رهبران سندیکایی متذکر می شدند که همه رشته های کاری باید در این مذاکرات شرکت داشته باشند و منافع همه کارگران در یک کارگاه باید لحاظ شود، اما مذاکرات با پیمانکاران و شرکت های زرنگ!! به آنجا ختم شد که اکثر جوشکاران و فیترها با حقوق های مصوب کمپین از ۲۵ میلیون به بالا سرکار رفته و حتا از کارگران کمکی خود نیز حمایت نکردند چه رسد به دیگر رشته ها.

با مقاومت کارگران دیگر رشته ها از جمله کمکی ها، داربست بندها، ساپورت،... و بخش کوچکی از کارکنان اداری پروژه ها، این کارفرمایان مجبور شدند افزایش حقوق نیم بندی را هم به دیگر رشته ها بدهند. البته این پیمانکاران در حد ۵۰ کارگر و کمتر نیرو داشته و آغاز به بستن قراردادها کردند. بیشتر پتروشیمی ها، نیروگاهها، پالایشگاهها و مراکز نفتی از این مذاکرات جوشکاران و فیترها سواستفاده کرده با فریب کارگران با این عنوان: «هرگاه کمپین ۱۰/۲۰ پیروز شد ما هم افزایش حقوق و ۲۰ روز کار ۱۰ روز مرخصی را لحاظ خواهیم کرد» تلاش کردند صف متحد کارگران را بشکنند. به اعتصاب شکن ها از سوی سندیکا اخطارهای جدی شد، اما مراکز متعدد تصمیم گیری و گروه گرایی بعضی از رشته های کاری موجب شد هم دلسردی برای اعتصابیون پیش بیاید و هم اینکه در میان کارگران اعلام شود که: «این کمپین فقط به خاطر منافع جوشکارها و فیتران راه اندازی شده است»

با تلاش همه فعالین حاضر در پروژه ها سعی گردید اتحاد شکسته نشود و کارگران به اعتصاب خود ادامه دهند و از دیگر روش های اعتراضی هم استفاده کنند. با همین منطق ۱۰۰ کارگر پروژه ای رامهریزی در نامه ای به نماینده مجلس شهرشان ضمن اعلام خواسته های خود مازیارگیلانی نژاد را به عنوان نماینده خودشان معرفی کرده تا پیگیر مطالباتشان در تهران و میان مسوولین باشد.

با هماهنگی که با مازیارگیلانی نژاد شد نمایندگان ۱۰ هزار کارگر پروژه ای از شهرهای اصفهان، ایذه، رامهرمز، چهارمحال بختیاری، اهواز، کنگان، به تهران آمده با ملاقات مازیارگیلانی نژاد مسوول سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و نوشتن نامه هایی به نمایندگان مجلس و ریاست مجلس آقای قالیباف و مسوولین شرکت نفت در اواخر مرداد کمپین شکل دیگری گرفت. ۵۰ نماینده آمده به تهران با تجمع در مقابل مجلس و سپس شرکت نفت، مسوولین شرکت نفت را مجاب کردند برای اطلاع از خواسته های تجمع کنندگان با ۱۱ نفر از نمایندگان کارگران پروژه ای دیدار داشته و خواسته های آنان را نوشته تا به اطلاع وزیر جدید که چند روزی بود به سرکار آمده بود، برسانند. در همانجا نمایندگان ۱۰

هزار کارگر پروژه ای به مسوولین شرکت نفت اعلام کردند مازیار گیلانی نژاد نماینده آنان است و پیگیر خواسته هایشان.

متأسفانه دولت جدید تازه تشکیل شده بود و بسیاری از مسوولین هنوز نمی دانستند در دولت جدید جایی دارند یا نه؟! لذا از مذاکره با نماینده کارگران پروژه ای خودداری می کردند. به همین خاطر ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای با گذاشتن نام و کدملی خود مازیار گیلانی نژاد را به نمایندگی رسمی خود برگزیدند. در مهرماه سندیکا به کارگران اعلام کرد باید برای تحقق ۱۰/۲۰ و اجرایی شدن آن کوشش کرد و این کوشش فقط در روزهای اعتصاب اتفاق نخواهد افتاد. ۴۰ درصد کارگران با قوانین ۱۰/۲۰ در شرکت های کوچک و بزرگ به سرکار رفتند. پالایشگاه آبادان، فلات قاره از آن جمله اند. اما مبارزه برای تثبیت قوانین ۱۰/۲۰ ادامه یافت. با پیگیری های نماینده ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای، صالحی پیمانکار خط لوله گوره به جاسک و تلمبه خانه ۵ بندرعباس که زیر مجموعه شرکت پایندان ناخلاف بود و برای رهبران کمپین خط و نشان می کشید، خلع شد تا دیگر پیمانکاران قدرت کمپین و سندیکا را ببیند و عبرت کنند.

با راهنمایی های سندیکا و تلاش رهبران میدانی در پروژه ها، ۱۰/۲۰ آرام آرام در بسیاری از پروژه ها در حال اجراست. حقوق کارگر کمکی که قبل از کمپین اول ۳/۵ میلیون تومان بود در کمپین ۱۰/۲۰ به بیش از ۱۰ میلیون تا ۱۲ میلیون افزایش یافته است.

درس های اعتصاب ۱۰/۲۰ به ما آموخت:

۱- تفرقه بلای جان هر مبارزه و اعتصابی است شعار «همه با هم اعتصاب می کنیم و به خانه می رویم و همه با هم به پروژه برمی گردیم» درستی خود را ثابت کرد.

۲- حقوق ها بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد طبق مقررات کمپین ۱۰/۲۰ افزایش یافت. جوشکاری که در کمپین ۱۳۹۹ حقوقش ۱۳ میلیون شده بود در کمپین ۱۰/۲۰ به ۲۲ تا ۲۷ میلیون افزایش یافت.

۳- ۲۰ روز کار ۱۰ روز مرخصی به شعار همه کارگران پروژه ای تبدیل شده است

۴- با همکاری کارگران پروژه ای اسناد بسیاری از تخلفات به دست بازرسان وزارت کار و نفت رسید که بازرسان شرکت نفت آن تخلف ها را تایید کردند.

۵- گسترش اعتبار سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و مسولین آن در بین کارگران بیش از پیش شد. بیش از ۲۰۰ هزار کارگر پروژه ای سندیکا را محل دستیابی به مطالباتشان دانسته و محلی برای مبارزه یافته اند.

۶- کاریابی رایگان برای کارگران بیکار توسط رهبران سندیکایی در واتساپ و تلگرام راه اندازی شده و خدمات رسانی می کنند. گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها با ۵۰ هزار کارگر عضو در تلگرام به آموزش، کاریابی، و اطلاع رسانی فعالیت دارد.

۷- هر روز به رهبران میدانی سندیکا در پروژه ها افزوده می شود.

اینها راز ماندگاری سندیکای کارگران فلزکارمکانیک است. تجربه، درایت، تلاش در میان کارگران، کادرسازی.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۴ تیرماه

مگر چه می‌خواهم از وطن؟

جز لقمه‌ای نان و خیالی آسوده.

چه می‌خواهم؟

جز تکه‌ای آفتاب و

بارانی که آهسته ببارد.

جز پنجره‌ای که رو به عشق و آزادی گشوده شود؟!

مگر چه خواستم از وطن که از من دریغش کرد؟

شیرکوبیکس

حق دخالت دولت در سازمان تامین اجتماعی!!!!

با اعتراضات هر روزه بازنشستگان در مورد دخالت بی جای دولت در مصوبه شورای عالی کار در خصوص لغو افزایش ۳۸ درصدی مستمری بازنشستگان سایر سطوح، دو روز است که وزیرکار پای تخته چون دانش آموزی ساعی!! برای ماست مالی کردن خطای هیات دولت در تلوویژون به نمایش می آید تا ثابت کند که عدالت!!! را برقرار کرده است. در مورد عدالت ما هر روز در سفره مان عدالت اختراعی آقایان را با گرانی های اخیر مشاهده می کنیم و لازم به اثبات ندارد.

اما آنچه در این اظهارات سر تا اشتباه بصورت ماده قانونی گفته شده و می بایست همه بیمه شده های تامین اجتماعی آن را جدی گرفته و حساس باشند این نکته ظریف است که از دهان وزیر درآمد: « دولت چون ناظر بر سازمان تامین اجتماعی است حق دخالت در تعیین مستمری را دارد» این نکته ظریف بعدها به این صورت در خواهد آمد:

-دولت چون ناظر است حق دارد بدهی هایش را به سازمان را ندهد

-دولت چون ناظر است حق دارد از کیفیت درمان تامین اجتماعی زده و بیمه شده ها را به بیمه خصوصی حواله دهد

-دولت چون ناظر است حق دارد اصلن با افزایش حقوق مخالفت کند

-دولت چون ناظر است حق دارد شستا را منحل کند

-دولت چون ناظر است حق دارد سازمانی به نام تامین اجتماعی وجود نداشته باشد.

خواهران و برادران کارگر و بازنشسته،

آنچه در این جمله نهفته است به معنای این است که دولت خود را ناظری ذیحق دانسته و می تواند در همه امور این مجموعه دخالت های عامرانه بکند.

این جمله را جدی بگیریم قبل از آنکه دیر شود

هیات تحریریه نشریه پیام سندیکا

حق گرفتنی است!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، تجمع اعتراضی بازنشستگان که در هفته ای اخیر افول چشمگیری یافته بود با گفتگوهایی که بازنشستگان شهرهای دیگر با هم انجام دادند تا اهواز قهرمان در این تجمعات تنها نماند و بازنشستگان حداقل بگیر که به جای افزایش ۵۷ درصدی حقوقشان ۴۶ درصد افزایش یافته نیز برای حصول حق خود به میدان بیایند که امروز نتیجه داد و شهرهای اهواز، اراک، کرج، شوشتر، شوش، همدان، کرمان، دزفول، زنجان، اصفهان، ساری، آبادان، خرم آباد، تهران و قزوین دست به تجمع اعتراضی زدند. در شوش بازنشستگان کفن پوش شدند. در قزوین هم جلوی استانداری و هم تامین اجتماعی پلیس از رفت و آمد بازنشستگان جلوگیری می کرد. در اهواز راهپیمایی به سمت استانداری و برگشت به فرمانداری همچنان ادامه داشت. در تهران در مقابل وزارت کار نیروهای پلیس بیش از ۱۰ نفر را دستگیر و به پایگاههای پلیس سیاسی بردند.

مدتهاست قانون های بازنشستگی و خانه کارگر با دادن وعده های توخالی تلاش دارند تجمعی صورت نگیرد و بازنشستگان به امید واهی رایزنی های چاپلوسانه این حضرات در خانه بمانند. از سوی دیگر بازنشستگانی که در تجمعات قبلی شرکت داشتند به پلیس سیاسی فراخوانده شده با گرفتن گوشی های موبایلشان و تعهد موقتا آزاد می شوند تا با تولید وحشت، بازنشستگان را خانه نشین کنند.

در گفتگوهایی که بازنشستگان شهرهای مختلف با هم دارند اعلام کرده اند تا اجرای کامل مصوبه شورای عالی کار از پا نخواهند نشست. با گرانی هایی که به جراحی اقتصادی معروف شده و در حقیقت مرگ خاموش زحمتکشان است، خانواده های کارگری مجبور شده اند بسیاری از اقلام از جمله گوشت، لبنیات، روغن... را از سبد خانواده خود حذف کنند.

فردا روز یکشنبه های اعتراض است.

یکشنبه های اعتراض!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، بازنشستگان تأمین اجتماعی در اعتراض به عدم افزایش مستمری ها، عدم اجرای کامل همسان سازی و سرکشی دولت از مصوبه شورای عالی کار و اختصاص ۱۰ درصدی برای افزایش امسال مستمری بازنشستگانی که بیش از ۷ میلیون حقوق دریافت می کنند یکشنبه ۱۲ تیرماه ۱۴۰۱ به خیابان آمدند. اهواز، شوشتر، اراک، کرمانشاه، رشت، دورود، خرم آباد، ساری، زنجان، شوش، کرج، بابل، قزوین، تهران تجمع کردند. در اهواز قهرمان که همچنان پای ثابت هر روزه تجمع در گرمای بالای ۵۰ درجه است راهپیمایی در شهر همچنان ادامه دارد. در کرمانشاه نیز بازنشستگان دست به تجمع زدند. در رشت با آنکه تعداد نیروهای لباس شخصی و امنیتی و پلیس بسیار چشمگیر بود بیش از ۲۰۰ تن از بازنشستگان به تجمع آمده بودند. در شوش بازنشستگان کفن پوشیده اعتراض کردند. در ساری مدیرکل تأمین اجتماعی با وعده دادن هفته آینده به سرگردانی بازنشستگان دامن زد. در بابل هم بازنشستگان با افزایش تعداد خود به مقابل تأمین اجتماعی آمده بودند. در قزوین جو همچنان پلیسی است.

در تهران بیش از ۳۰ نفر از بازنشستگان مستقل و معترض در کانون بازنشستگان تهران برای پاسخگو کردن اعضای هیات مدیره کانون و در نهایت چه می خواهند با این مصوبه غیرقانونی بکنند در داخل کانون تجمع کردند. در این جلسه تعدادی از اعضای هیئت مدیره کانون آقایان حیدری، دهقان کیا، حسن صادقی و مجیدی حضور داشتند.

آقای حیدری بسیار شفاف گفت که در قد و قواره آنان نیست که بیش از این اعتراض کنند و اعلام کرد کانون های استان و کانون عالی در زمینه مصوبه غیرقانونی هیچ کاری نکردند و ما مجبور شدیم به عنوان کانون تهران اقدام کنیم. آقای دهقان کیا باز هم از قهرمانی های خود داستان ها به بازنشستگان حاضر گفت. آقای صادقی هم زیر بار حتا تجمع در خانه کارگر نرفت و تلاش کرد دوستان را از تجمع پرهیز بدهد.

واقعیت این است که کانون های بازنشستگی و به ویژه کانون های استان و کانون عالی هیچ کاری برای بازنشستگان نخواهد کرد. این کانون ها به دنبال سفت کردن جای خود در کانون ها با انتخابات هستند تا از رانت های موجود استفاده کنند.

نان، همبستگی، پیروزی!



به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، امروز ۲۶ خرداد در اعتراض به ربوده شدن «نان» امروز در شهرهای مختلف بازنشستگان فرهنگی و تامین اجتماعی تجمع کردند. فرهنگیان در ۳۵ شهر کرج، مریوان، سنندج، کامیاران، اندیمشک، سقز، بوکان، چهارمحال بختیاری، ساری، همدان، کاشمر، بندرعباس، بیجار، خرم آباد، آبدانان، سردشت، اسلام آباد غرب، اردبیل، زنجان، هرسین، کرمانشاه، تبریز، رشت، ملایر، الیگودرز، بابل، یاسوج، رضوانشهر، دیواندره، یزد، ارومیه، جلفا، دلفان، قزوین تجمع کرده و بازنشستگان تامین اجتماعی هم در ۸ شهر تهران، کرج، اهواز، اصفهان، رشت، تبریز، دورود، قزوین تجمع اعتراضی بر گزار کردند.

اعتراض امروز به دستگیری نزدیک به ۵۰ نفر از آموزگاران فعال منجر شد. در تهران مقابل مجلس تعداد لباس شخصی ها و پلیس و ون های آماده دستگیری پیرمردان و زنان به قدری زیاد بود که اجازه تجمعی حتا دو نفره را نمی دادند. ون هایی که مملو از دستگیر شده گان بود راهی مراکز امنیتی می شدند. در قزوین بازنشستگان تامین اجتماعی که برای همبستگی به معلمان پیوسته بودند با برخوردهای خشونت آمیز پلیس مواجه شدند. پلیس برای متفرق کردن بازنشستگان از اعمال هیچ حرکتی ابا نداشت. متأسفانه تعداد ۹ نفر از فعالین زن و مرد آموزگاران دستگیر شدند. در رشت و اهواز بازنشستگان تامین اجتماعی دست به راهپیمایی زدند. در اهواز با شعار: «مخبر حیا کن ریاست و رها کن» و در رشت «مصوبه شورای عالی کار اجرا باید گردد» از شعارهای اصلی بود.

امروز این تجمعات پیام روشنی را به دولتی که می خواهد زحمتکشان را نادیده بگیرد بود:

ما هستیم و حق خود را می خواهیم و از میدان مطالبه گری بیرون نمی رویم

بازنشستگان محترم و تحت فشار تامین اجتماعی!

آیامی دانید :

▼ سازمانی که حاصل سالها رنج و زحمت و بی خوابی شماست ثروتمندترین سازمان غیر دولتی ایران است اما در کمال تعجب دولت همه کاره آن است!!

▼ این سازمان بزرگترین گروه اقتصادی کشور را به نام شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی با نام اختصاری.... شستا...در اختیار دارد !؟

▼ فقط ۱۰ درصد ارزش بورس ایران از آن شرکت شستا ست!!

▼ آیا می دانید که کشتیرانی جمهوری اسلامی متعلق به تامین اجتماعی ست ؟؟؟!! و شرکت قطارهای مسافری رجاء همچنین

آگاه باشیم که شرکت شستا در برگیرنده اکثریت شرکتهایی نظیر: شرکت های سرمایه گذاری دارویی تامین - سیمان تامین - صدر تامین - صبا تامین - صنایع عمومی تامین - شرکت خدمات ارتباطی رایتل - توسعه انرژی تامین - کارخانجات داروپخش - دارو سازی اکسیر- دارو سازی فارابی - داروسازی زهراوی - داروسازی ابوریحان - داروسازی کاسپین تامین - لابراتوارهای رازک پارس دارو - شرکت ژلاتین کپسول ایران - کشت و دامداری فکا!! - سرمایه گذاری نفت گاز پتروشیمی ملقب به تاپیکو - شرکت پالایش نفت ایرانول - شرکت نفت پاسارگاد - لاستیک اتومبیل بارز - داروپخش - شرکت سرمایه گذاری دارویی تامین تاپیکو- شرکت هیکو و هتل‌های زنجیره ای هما

▼ تنها مجموع داراییهای شستا در اردیبهشت ۹۹ و زمانی که دلار کمتر از ۵۰۰۰ تومان ارزش داشت بالغ بر ۱۲۰ هزار میلیارد تومان بوده که بعد از ورود این شرکت به بورس رسماً اعلام شده و با احتساب شرایط امروز و ۵ برابر شدن ارزش دلار و گاه ۱۰ برابر شدن قیمتها امروزه میزان همان دارایی حداقل به ۶۰۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافته!!

▼ میزان طلب تامین اجتماعی از دولت بیش از ۳۴۰ هزار میلیارد تومان است که این مبلغ حدود یک سوم بودجه سالیانه ایران ۸۵ میلیونی ست!!

چنانچه سود حاصل از این طلب طی سالهای سال که از آن گذشته محاسبه گردد یقیناً هر ماشین حسابی گیج خواهد شد!!! میزان درآمد شرکتهای تامین اجتماعی در سال ۹۷ با ارزش دلار ۵۰۰۰ تومانی فقط ۳۲ هزار میلیارد تومان بوده یعنی ماهیانه ۲۵۰۰ میلیارد تومان!! حال چقدر است خدا می داند؟؟؟؟

کل هزینه های تامین اجتماعی در سال ۹۸ ماهانه ۱۰ هزار میلیارد تومان بوده که طبقاً کسری ۱۵۰۰ میلیاردی آن از سرمایه گذاریها تامین می شده است

آنچه که ذکر شد با تحقیق از فضای مجازی که بصورت پراکنده نقل شده گرد آوری گردیده و چه بسا بیش از این وجود داشته باشد که تماماً حق الناس ما بازنشستگانی ست که سالهاست از تورم و گرانی بعضاً حاصل از همین شرکتهای متعلق به خودمان در رنج و مشقت و عذابیم!!! شرکتهایی نظیر داروسازها و نفت و پتروشیمی و... شاید برخی از این شرکتهای ورشکسته نظیر هپکو و هتلهای زنجیره ای هما به تامین اجتماعی بابت بدهی دولت تحمیل شده باشند اما باز اموال و زمین و داراییهای غیر منقولشان متعلق به ماست که هزاران میلیارد تومان ارزش دارند. با این اوصاف اکثریت قریب به اتفاق بازنشستگان تامین اجتماعی در دریایی از ثروت تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی هستند در کمال تعجب و به صورت شرم آوری ۲٪/ماده ۸۹ و بیمه درمان را پس از ۳۰ سال پرداخت حق بیمه کسر می کنند آن هم از ثروتی که از جان خودشان حاصل عرق جبین خودشان است و حتی خونها را به پایش ریختند صدها شهید و مجروح و جانباز بمباران شرکتهای در جنگ تحمیلی و حوادث دلخراش کار گواه آن است!! اما تنها کسانی که صاحبش نیستند همان خودشان هستند حالا شده اند غیر همکار و شده اند داستان اکثر مردم امروز ایران که ارزش خانه شخصی شان میلیاردها تومان است اما حتی قادر به تعویض پرده خانه شان هم نیستند.

ما متحد و همدل و همراه و دست در دست یکدیگر و در چهارچوب قانون و مسالمت آمیز به حقوق قانونی خود خواهیم رسید اگر بیراهه برویم و به اندکی افزایش بسنده نکنیم

ما بازنشستگان و خانواده هایمان واقوam درجه یک خود بیش از ۳۰ میلیون نفریم و در هر اموری می توانیم تاثیر گذارترین باشیم.



دو شخصیت تاریخی متضاد، یکی در خدمت هارترین و فاشیستی ترین جناح امپریالیستی با ایدئولوژی نازیستی و ضد بشری و دیگری هنرمند کمونیست و ضد فاشیست و نژادپرستی و ضد سرمایه داری که تمام هنرش در خدمت به بشریت و روشننگری بود....

وقتی ثروتمندان، فقرا را می چاپند، بهش میگویند تجارت!

اما وقتی فقرا مبارزه می کنند، بهش میگویند خشونت!

سارق مسلح طلافروشی: خلافکار نیستم/ تازه بیکار شده بودم

مرد ۳۷ ساله که به‌تازگی بیکار شده بود، نقشه سرقت مسلحانه از طلافروشی را کشید تا با فروش طلاهای سرقتی، به‌گفته خودش کسب‌وکاری راه بیندازد. اما تنها ۳۰ دقیقه بعد از سرقت دستگیر شد.

متهم: «من خلافکار نیستم. هیچ سابقه‌ای ندارم و این نخستین بار است که دست به خلاف می‌زنم که خب کارم اشتباه بود. راستش بعد از اینکه بیکار شدم، از صبح تا شب به‌دنبال کار بودم اما نتوانستم کار مناسبی پیدا کنم. تا قبل از این، هم در کارخانه کار می‌کردم و هم مسافرکشی. با این حال هنوز به آخر ماه نرسیده پول کم می‌آوردم و حالا مدتی بود که کار اصلی‌ام را هم از دست داده بودم و همه اینها به من فشار می‌آورد. یک دختر ۶ ماهه دارم و می‌دانید که تامین هزینه‌های بچه چقدر سخت است. از طرفی ماهی ۳.۵ میلیون تومان کرایه خانه می‌دهم و قسط وام هم دارم. هر روز آمار قیمت طلا و دلار را داشتم. با خود گفتم اگر طلا سرقت کنم، می‌توانم طلاهای سرقتی را بفروشم و یک کسب‌وکار برای خودم راه بیندازم اما تصوراتم اشتباه بود»

یکی از دیندارهای ترکیه فتوا داده بود که عزیز نسین را اگر کسی بکشد، ۲۵۰ هزار دلار پاداش برایش پرداخت می‌کنم.

عزیز نسین پیام فرستاده بود، ای نادان شما آن ۲۵۰ هزار دلار را برای بچه‌های بی سرپرست خرج کن، من خودم، خودکشی می‌کنم.

عزیز نسین یکی از بزرگترین نویسندگان هوادار کارگران و محرومین دنیای شرق بود. مخارج خیلی از بچه‌های بی سرپرست را تامین میکرد.

دیندارها به عزیز نسین کافر می‌گفتند!!!



وقتی بچه‌ها با چرخ‌دستی به مدرسه می‌روند!

براساس گزارش روزنامه همشهری، معصومه منافی، مدیر مدرسه چنگیزپور در محدوده بازار بلورفروشان تهران درباره دانش‌آموزانی که در این مدرسه تحصیل می‌کنند، گفت: «بچه‌هایی که در این مدرسه درس می‌خوانند، لزوماً شاغل و مشغول به کار نیستند، اما تحصیل این گروه از دانش‌آموزان در اینجا بلامانع است. اینجا تنها مدرسه‌ای در تهران است که بچه‌ها می‌توانند با چرخ‌دستی وارد و بعد از کلاس درس از آن خارج شوند. در اینجا شرایطی برای دانش‌آموزان فراهم کرده‌ایم که بدون دغدغه درس بخوانند و کمک خرج خانواده خود باشند. چرخ‌های باربری وسیله امرار معاش تعدادی از دانش‌آموزان مدرسه است که حتا بابای مدرسه از آنها نگره‌بانی می‌کند تا مبادا کسی با خودش ببرد. حقیقت این است که این بچه‌ها را به زور و زحمت پای درس و کلاس نگه داشته‌ام.



دختران قهرمان از تبار زحمتکشان

تیم هندبال زنان ایران با برتری در برابر مکزیک در مسابقات قهرمانی جهان موفق شد به اولین پیروزی تاریخ زنان هندبالیست ایران در مسابقات جهانی دست یابد. این بازی در جریان مسابقات پرزیدنت کاپ رقابت‌های قهرمانی جوانان جهان برگزار شد و ایران توانست در نهایت با نتیجه ۴۶ بر ۲۶ در مقابل مکزیک به پیروزی برسد. در پایان این مسابقه هانیه کریمی ملی‌پوش ایران عنوان برترین بازیکن این دیدار را به دست آورد. تیم ملی هندبال جوانان زنان ایران با کسب عنوان نایب قهرمانی در مسابقات قهرمانی آسیا موفق به کسب سهمیه رقابت‌های قهرمانی جهان ۲۰۲۲ به میزبانی اسلونی شده بود. این برای نخستین بار در تاریخ هندبال ایران است که تیم جوانان زنان ایران به مسابقات قهرمانی جهان راه پیدا کرده است. هر پیروزی زنان و مردان ایران و افتخار آفرینی در عرصه بین المللی خاری در چشم کسانی است که زنان را در پستوی خانه می خواهند.

آفرین برتیم ملی هندبال بانوان ایران!

به دخترم خواهم گفت!

روزی به دخترم خواهم گفت:

اگر خواستی ازدواج کنی

با مردی ازدواج کن

که به جای مهمانی های احمقانه

که مردان یک طرف جمع می شوند

و از سیاست و کار و فوتبال می گویند،

و زنان یک طرف دیگر جمع می شوند

و از مانیکور و انواع رژیم غذایی و جُک ها و ... صحبت می کنند؛

تو را به؛

دوچرخه سواری، کوهنوردی،

تئاتر، کنسرت رفتن،

فیلم دیدن، شعر و کتاب خواندن،

کافه رفتن و شب گردی های بی هوا،

سفرهای بی هوا،

با:

کوله پشتی و عکاسی و نقاشی و

سر به سر هم گذاشتن و دیوانه بازی هایی...

از این دست زند.

و آنقدر به " با تو بودن " ایمان داشته باشد

که به زمین و زمان

و هر پشه ی نری که از دور و برت رد می شود گیر ندهد.

و به تو احساس

"رفیق " بودن بدهد و

نه تنها احساس

"زن " بودن!!!

طوری که تمام دنیا

به رفاقت و رابطه تان حسودی شان شود...

آن وقت شاید زمان مناسبی رسیده،

که تن به ازدواج بدهی!

وگرنه هیچ گاه به ذهن زیباییت خطور نکند

که آرامش را در میان دستهایی خواهی یافت

که تو را فقط زن می داند و زن!!

ازدواج و سنت ها!

انقلاب تازه به بارنشسته بود، درون بازارمکاره ای از شعار عدالت خواهانه، سلطه ی سنت فرهنگ گذشته توخصوصی ترین زوایای زندگیت سرک میکشید.

خانم بهاری را که از آرایشگاه آوردند، باورکنید اصلاً نشناختم! بالاغیرتن کمی به چهره ی قبل از جشن حنا‌بندان مان دقت کنید! حالا تجسم نمائید، پشت چشمش را بنفش خاکستری فام مالیده باشند، زیر پلک پائینش را خطی سیاه بکشند! دونیم قوس عینهو شمشیر ذوالفقار رو ابروهاش رسم کنند، بعد هم لطافت لبهای جمع جورش که معصومیت صورتش را دوچندان میکرد زیر لایه ای از رژ آتشین شنگولانه خودنمایی کند! آنهم برای کسی که حالات چهره ی مکاتب بعداز رنسانس را تا اختراع دوربین عکاسی جزء به جزء مطالعه و طراحی کرده باشد، واحد گریم را از استاد معیریان(همونی که کله ی بهروز وثوقی را توفیلم _سوته دلان_ درست کرده بود) آموخته باشد. و بخاطر دقت روانکاوانه ام درگریم سینمایی چهره ی دانشجویان، خیلی دوست داشت دستیار گریمورش تو فیلمهای فارسی باشم.

کلافگی چهره ام را که دید، مهربانانه گفت: «حالا میگی چیکارکنم!؟»

- به دختردایی اش اشاره کردم: «یه کم وسایل آرایشی جمع و جور کن، بچه ها را ازاطاق کوچیکه بیرون ببر، خودتم دم دراطاق کشیک بده، کسی سرک نکشد!»

تعدادی از خویشاوندان مشغول تنظیم پایه های میزفلزی شام روی سنگفرش حیاط خانه بودند، بچه ها باجیغ و داد بادکنک هایی را که بین کاغذهای سه گوش رنگی آویزان بود می ترکاندند.

_ غرق پاک سازی و آرایش چهره اش بودم و همزمان به حرف حاج خانم هایی که بلند بلند از اطاق بغل دستی فتوا صادر می کردند گوش میدادم.

... آخه معزز خانم جان ، به همان خانه ی خدایی که با هم مشرف شدیم ، به پیر ، به پیغمبر این کار معصیت داره! هرچقدر هم هنرمند باشه! هنوز که عقد نشدند! تافردا کی مرده کی زنده! حرفمو قبول نداری؟ بریم مسجد آسیدعباس، از حاج آقا بپرسیم.

تغییرحالتم را که دید ، یواشکی گفت حالا که باید تو آتش جهنم بسوزیم ... دستش را دورگردنم انداخت با بوسه ای داغ داغ با تمام وجودش، پاسخ احکام الهی حاج خانمهای اطاق بغل دستی را داد.

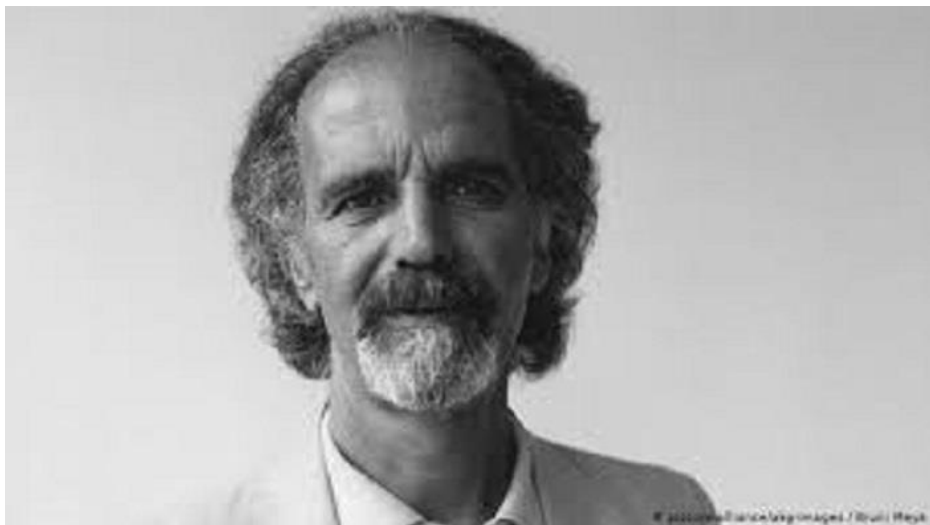
سیاوش یحیی زاده

پسرک جلوی خانمی را میگیرد و با التماس می گوید: «خانم، تو رو خدا یه شاخه گل بخرید» زن در حالی که گل را از دستش می گرفت نگاه پسرک را روی کفش هایش حس کرد!

پسرک گفت: « زیباست، چه کفش های قشنگی دارید »!

زن لبخندی زد و با غرور گفت : «بله، برادرم برایم خریده است، دوست داشتی جای من بودی ؟»

پسرک بی هیچ درنگی محکم گفت: «نه، ولی دوست داشتم جای برادرت بودم، تا من هم برای خواهرم کفش می خریدم»



✍ جوان مرگی در نشر معاصر فارسی ✍

در همین پنجاه و چند سال، ده بیست داستان کوتاه عالی داریم، جاده دیگر کوبیده شده است، و ما، همه‌ی ما، اگر خمیده‌ایم، اگر این‌گونه‌ایم حداقل اندکی به خاطر این تنگ میدان بی‌روزن است، وگرنه- برخلاف فرموده‌ی این شاعر یا آن تاریخ‌نویس- با همه‌ی فروتنی‌ها که باید داشت مطمئناً قدامت چند برابر این دیوارهایی است که ممیزان، همه‌ی مقاطعه‌کاران خشت و دیوار در عصر مقاطعه‌کاران و دلالان گردمان ساخته‌اند.

پس اگر نمانیم و نمانید، درجا نزنید، قطع نشویم، تداومی در مقوله‌ی فرهنگ پیدا شود، کتاب‌های‌مان منتشر شود و خواننده‌گان‌مان بخوانند، و همین‌طور کتاب‌ها و کتابخانه‌ها مصادره نشود، باور کنید می‌شود حداقل غنی‌ترین ادبیات جهان سوم را به وجود آورد، همان‌گونه که شعر نو چنین شده است. چنین باد!

شب شعر کانون نویسندگان ایران در انجمن فرهنگی ایران و آلمان (۱۸ تا ۲۸ مهر ۵۶)
هوشنگ گلشیری



پدرم

خیلی چیزها برایم به ارث گذاشت
لباس کارگری که به تن ام بزرگ بود
ابزار کارگری که برایم سنگین بود
و ارثیه ای دیگر که گفته بود:

- پسرم

هرچند که کارگری، اما فراموش نکن
انسان نیامده برای سر خم کردن
هست تا سربلند زندگی کند.
از آن روز، سرم بلندتر از
دیوارِ تمام کارخانه هاست.

فخرالدین احمدی سوادکوهی

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی

آرواد آغیز

یکی با شوخی بمن گفت: «کازیم تو هم آرواد آغیز هستی؟» منظورش تحت فرمان زنت هستی.

پرسیدم: «از چه لحاظ؟» گفت: «من بدون اجازه زنم نمی توانم حتا آب بخورم با تمام اطرافیانم قهر هستیم، همیشه در خانه اختلاف داریم. عسل می آورم خانه اما مزه زهر می دهد. به روح پدرم لعنت می فرستد. اگر فرزندانم نبودند صد بار جدا شده بودیم. نمی دانی کازیم، با اینکه وضع مالی خوبی دارم اما حاضرم گدایی کنم اما آرامش داشته باشم»

گفتم: «حالا این یک مشکلی هست که گریبانگیر خیلی هاست. اجازه بده بزارم گروه دوستان نظر بدهند هم علت یابی کنیم و راه حلی بنویسند. قدیما بپای هم پیر می شدند، حالا بپای هم می روند دادگاه برای طلاق. حالا طلاق بیشتر از ازدواج شده.

من و همسرم اصلن هیچ مشکلی در آن مورد نداریم که در کنار مادرم زندگی می کنیم. هر دو به تمامی فامیل هایمان احترام می گذاریم.

به نظر من تمامی وابستگان مثل لباس هستند

هر کدام جای مخصوصی دارند

باید مرتب پوشید

کلاه را جای جوراب نمی توان پوشید.

از سیلی تا بیل! چرا ضرب و شتم کارگر؟!

◆ تازه غم سیلی خوردن کارگر هتل در شیراز را فراموش کرده‌ایم که باز مورد اخیر خبرساز شده است؛ در یک ویدئو، پیمانکار شهرداری علی آباد کتول با بیل به دنبال یک کارگر می‌افتد و او را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد؛ صدای ناله‌های کارگر به آسمان بلند است. باید بدانیم هر گونه تخلفی که بر فرض متوجه کارگر باشد قرار نیست که چون پیمانکار حقوق‌اش را پرداخت می‌کند، هرحقی برای خود متصور باشد و هر برخوردی را روا بداند.

◆ در تبصره ماده ۲۷ قانون کار تکلیف مباحث درون کارگاهی و اختلافات مشخص شده است و مواردی که از صلاحیت کمیته انضباط کار خارج است، تکلیف ارشادی شده است؛ بنابراین کارفرما حق هیچ نوع برخورد با کارگر را ندارد حتی برخورد لفظی چه برسد به بیل کشیدن به روی کارگر!

◆ توهین و ضرب و شتم مذکور، اهانت به ستون فقرات جامعه است؛ این کارگر تنها گیر افتاده است اگر یک کارگر پیمانکاری تنها نبود، عضو یک تشکل کارگری بود و امنیت شغلی داشت، هرگز چنین تنها در چنان مهلکه‌ای گیر نمی‌افتاد!

تغییر شرایط کاری کارگران در چه صورتی امکان‌پذیر است؟

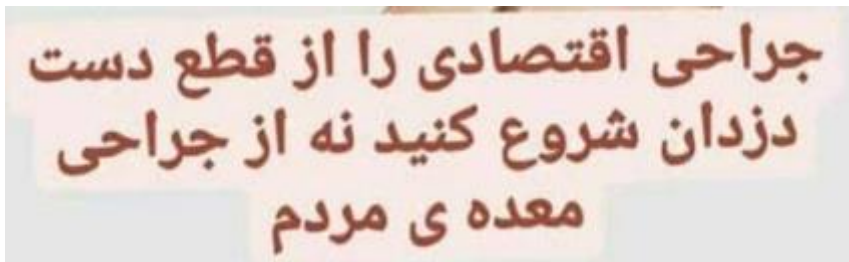
◆ هیچ کارفرمایی نمی‌تواند گروه شغلی کارگر را تغییر یا تنزل دهد مگر اینکه تخلفی صورت بگیرد و کمیته انضباطی رای صادر کند که آن هم قوانین مختص به خود را دارد.

◆ اگر کارفرما بخواهد تغییر عمده‌ای را در شرایط کاری، کارگر انجام دهد مانند تغییر محل کار، سمت کارگر و شیفت کاری کارگر، باید یک سری اقداماتی را انجام دهد مانند اخذ رضایت کتبی کارگر یا در صورت عدم موافقت نیروی کار باید به اداره کار مراجعه کند و موافقت کتبی اداره کار محل را بگیرد تا بعد نسبت به تغییر شرایط کاری، کارگر اقدام کند.

تورم مالیاتی است که جمهوری اسلامی از فقرا به نفع اغنیا می‌گیرد!

باید عدالت‌خواهی به مثابه یک مطالبه ملی نجات بخش در دستور کار قرار بگیرد. برنامه های اقتصادی و جهت‌گیری‌های سیاسی و کلیدی در جهت گسترش و تعمیق نابرابری و شکاف طبقاتی است.

روزنامه اعتماد گزارش داد؛ فرشاد مومنی استاد دانشگاه علامه طباطبایی مطرح کرد: اگر همه حامل حق و عدل شدیم راه نجاتی قابل تصور است. بنابر این اگر بخواهیم صادقانه و عادلانه در جست‌وجوی راه‌حلی برای وضع موجود باشیم باید عدالت‌خواهی به مثابه یک مطالبه ملی نجات‌بخش در دستور کار قرار بگیرد. بنابر این آنچه باعث تعجب است اینکه ما با رفتارهایی از ناحیه حکومت روبرو باشیم که چنین امر خطیری را فراموش کرده باشد و فراتر از آن جهت‌گیری‌های سیاسی و کلیدی در جهت گسترش و تعمیق نابرابری‌های ناموجه باشد... حکومت‌گران ما باید بفهمند. تشخیص اینکه فوری‌ترین مساله برای نجات این است که یک بازنگری کلی در همه محورهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی بر محور عدالت باید صورت بگیرد... طنز تلخی در ۱۰ سال اخیر وجود دارد و آن اینکه کسانی می‌خواهند با تورم، عدالت ایجاد کنند. تورم ظالمانه‌ترین مالیاتی است که یک حکومت از فقرا به نفع اغنیا دریافت می‌کند. ولی در بودجه ۱۴۰۱ این همه فریاد زدیم که کشور را به بحران می‌برید و می‌گفتند ما دنبال عدالت هستیم و همان موقع شواهدی که از بیخ و بن این ادعا را باطل می‌دانست مطرح کردیم...



مشروعیت مدنی

مشروعیت مدنی بر مبنای «خرد جمعی» تعریف می‌شود. در هر زمان، در هر نسل و در هر مکان، با متفاوت شدن «خرد جمعی» قابل تغییر است و قانون ازلی و ابدی (فراتاریخی) قابل حصول نیست. لازمه‌ی استخراج «خرد جمعی» این است که مردم «آزاد باشند بدانند» و "آزاد باشند رأی بدهند." بنابراین مقدمه حصول «خرد جمعی»، «آزادی بیان» و «حق رأی» برای عامه‌ی مردم است. ازطرفی دیگر رأی آزادانه و آگاهانه مردم، نمی‌تواند ضامن «درستی» نظر آنها باشد، بلکه تنها ضامن «مشروعیت مدنی» قانون است. برای مثال در دوره‌ای از تاریخ بشر، رأی آزادانه و آگاهانه اکثریت مردم این بوده که «خورشید به دور زمین می‌چرخد» ولی این رأی ضامن درستی آن گزاره نبود. منظور از مشروعیت مدنی این است که آنچه حق مردم است را از آنان نگیریم و هیچ فرد، طبقه یا نهاد اجتماعی نتواند مانع دستیابی عمومی مردم، به حق تصمیم‌گیری‌شان در مورد سرنوشت‌شان گردد.

طبق مقررات قانون کار (مواد ۶۲ و ۶۳ و ۶۴)

روزهای جمعه، سایر تعطیلات رسمی کشور
روز ۱۱ اردیبهشت (روز کارگر)
و روزهای مرخصی استحقاقی کارگران
با مزد و مزایا و بیمه است

مشکلات سازمان های مردم نهاد!

شراکت و رقابت در هر نهاد باید تبدیل به اصلی اساسی شود تا جریان صنفی امکان بقا داشته باشد. تشکل های مدنی در جامعه ای که آموزش و پرورش آن به دانش آموز کار جمعی دموکراتیک یا جدید آموزش نمی دهد، با معضلات زیادی رویه رو می شود، اما در فقدان این نوع آموزش نمی توان تشکل مدنی را منتفی اعلام کرد؛ چراکه شاه بیت دموکراسی نه احزاب، بلکه مدنیت است که احزاب و دولت را به دموکراسی وادار می کند. سخن از مشکلات درونی تشکل های مدنی در ایران است؛ البته در آغاز بگوئیم که فشار امنیتی بر تشکل های مدنی این مشکلات را عدیده تر می سازد که باید جداگانه به آن پرداخت. پس سرکوب آنچه که نهاد مدنی خوانده می شود یا مصادره ی آن ها در دستور کار حکومت ها قرار می گیرد.

با توجه به این شرایط سخت ریشه یابی برای درمان مشکلات درونی سازمان های مردم نهاد لازم است.

۱- سازمان های مردم نهاد به استمرار نیاز دارند تا بتوانند در بازه ی زمانی مناسب به رقابت و شراکت اعضای خود شکلی دهد تا مانع از فروپاشی تشکلی شود.

۲- هر تشکل برای جابجایی به تعویض دو نسل رهبری نیاز دارد که حداقل پانزده سال به طول می انجامد؛ چرا که تغییر نسل رهبری هر تشکل، نشان از کادرسازی و نیروسازی و توان جذب نیرو از سوی آن نهاد دارد؛ اما حکومت تلاش می کند تشکل را در فشار قرار دهد تا دو اتفاق تلخ بیفتد: یا تشکل از هم پاشیده شود یا این که تشکل برای ماندگاری تبدیل به جریان بسته شود؛ چراکه تشکل برای ماندن نمی تواند ریسک تغییر رهبری یا پذیرش افراد جدید را راحت به جان بخرد. برخی تشکل ها از این نوعند و با وجود مقاومت برای استقلال ناچار به گارد بسته ی تشکیلاتی می شوند. همزمان حکومت هزینه ی عضویت در این جریان ها را هم بالا می برد و افراد را از نان خوردن، یعنی شغل ساقط می کند. فشاری که در حال حاضر به سندیکاهای کارگری و آموزگاری، از این نمونه است.

۳- موضوع دیگر در تشکل های صنفی و مدنی توجه به استقلال آنان است. این استقلال باید حفظ شود. تشکل مدنی بازوی هیچ جریان سیاسی نیست، بلکه دارای رابطه با تشکلات سیاسی بر اساس استقلال خود است. توجه به این اصل موجب می شود که امکان

تاب‌آوری تشکل بیش‌تر شود؛ اگرچه امنیت آن را تضمین نمی‌کند، اما استقلال و نگاه مدنی در تشکل مدنی به آن اصالتی می‌بخشد که اعضا را هم امیدوار می‌کند.

۴- سازمان‌های مردم‌نهاد هم به قبول رقابت و هم شراکت در درون تشکل و میان تشکل‌ها نیاز دارند تا توطئه‌ی امنیتی را خنثا کنند و در عین حال موجب قدرت‌یافتن و تداوم تشکل شوند. امنیتی‌ها در میان تشکل‌های مدنی و در درون یک صنف، میان آنان اختلاف می‌اندازند. این اختلاف، سازمان‌های مردم‌نهاد را ضعیف و اعضا را دچار اختلاف و سردرگمی می‌کند. با این روش اعضای فعال در درون سازمان‌های مردم‌نهاد را به جان هم می‌اندازند و بعد همه‌ی این نهادها را هم نابود می‌کنند؛ پس باید رقابت‌پذیر بود و به سمت اهداف مشترکی رفت که قضاوت در میان اعضای آن سازمان‌های مردم‌نهاد و جامعه مبنای قضاوت برای رفتار هر صنف باشد.

۵- اما هزار نکته‌ی باریک‌تر از مو این جاست. شراکت و رقابت در هر سازمان‌های مردم‌نهاد باید تبدیل به اصلی اساسی شود تا جریان صنفی امکان بقا داشته باشد. درون تشکل اصل رقابت برای جانشینی افراد اصل باشد؛ حتی به قیمت افت و خیز جریان صنفی؛ چراکه مادام‌العمرشدن رهبری سازمان‌های مردم‌نهاد به هر دلیلی رقابت و رشد در درون جریان مدنی را نابود می‌کند، حیات آن تشکل را هم در بهترین حالت به جمع خودمانی تبدیل و ارتباط آن نهاد با جامعه را هم محدود می‌کند.

۶- به نظر می‌رسد نهاد مدنی در ایران با موانع بیرونی و درونی برای پایداری مواجه است. این مقال کوتاه فتح‌بابی برای موانع دورنی بود که بایسته است شناخته شود تا برای رفع آن کوششی صورت بگیرد. رقابت‌پذیری، شریک‌پذیری، چرخش مقام مسنول در هر شرایطی، زمان‌دارشدن مقام و پاسخ‌گوبودن مسنولان سازمان‌های مردم‌نهاد از مبنای مهمی است که می‌تواند یک نهاد مدنی را پایدار کند.

ابلاغ دستورالعمل نوبت کاری شب برای مادران شاغل باردار و مادران دارای فرزند شیرخوار: «نوبت کاری شب برای مادران شاغل باردار و همچنین مادران دارای فرزند شیرخوار تا دو سال و پدران تا یک ماهگی نوزاد در مشاغل و فعالیت‌های نیازمند نوبت کاری شب، اختیاری است.»

فریب‌های سرمایه‌داری دیگر رنگی ندارد!

یکی از فریب‌های نظام سرمایه‌داری ایجاد امیدهای واهی است. فیلم‌ها و داستان‌های زیادی توسط رسانه‌های مروج سرمایه‌داری ساخته می‌شوند که یک فرد فقیر بی‌خانمان همچون «الیورتویست» یا «ساراکرو» وارث ثروت عظیم یک سرمایه‌دار خیرخواه می‌شود.

فیلم «راز» (که بارها با نگاه تاییدآمیز از تلویزیون رسمی کشور پخش شد) ارسال امواج به کائنات را برای ثروتمند شدن کافی می‌داند و بلیط‌های «بخت آزمایی» و قرعه کشی‌های مستمر بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ..... پیام ضمنی این تبلیغات است: «شما هم توی بازی هستید، پس بازی را به هم نزنید و امیدوار باشید شاید روزی شما هم برنده شوید»

سخنرانی‌های انگیزشی و سمینارهای «چگونه موفق شویم یا ثروتمند شویم» هم که از سوی نمایندگان دیگر سیستم سرمایه‌داری تبلیغ می‌شود، ترویج امیدهای واهی هستند. سخنرانان خندمرو و پر انرژی مثال‌هایی تکراری از کسانی که از کارگری به کارخانه‌داری رسیده‌اند و از دست‌فروشی به صاحب فروشگاه‌های زنجیره‌ای بودن ارتقا پیدا کردند در جیب شان دارند. آنها «استثناء» را به‌جای «قاعده» می‌گذارند

قاعده سرمایه‌داری «انباشت» و «تمرکز» سرمایه از طریق استثمار است. سرمایه‌دار سهم بزرگ «ارزش افزوده» را صاحب می‌شود و حداقل سهم «ارزش افزوده» را به کارگر می‌دهد. بنابراین کارگر با حداقل امکانات زندگی می‌کند و اغلب برای رفع نیازهای اساسی‌اش مقروض است در حالی که سرمایه‌دار «انباشت ثروت» را تجربه می‌کند و آن را برای آقا زاده‌هایش به ارث می‌گذارد. در چنین شرایطی کاملاً قابل انتظار است که کارگران دست به اعتراض بزنند، اعتصاب کنند، اجتماع کنند، متحد شوند و خواستار شرایط

کاری عادلانه‌تر کردند. اما نظام سرمایه‌داری خود را از طریق «هژمونی فرهنگی» واکسینه می‌کند.

یک بار دیگر فیلم «میلیونر زاغه نشین» را ببینید. چند درصد از گرسنگان جهان وارث چنین فرصت معجزه آسایی شده‌اند؟! آنها امیدوار می‌مانند، اطاعت می‌کنند، متحد نمی‌شوند، چرا باید خودشان را (که یک میلیونر بالقوه در آرزوهایشان هستند!) برای اتحاد با دیگر کارگران به خطر بیندازند؟!

هژمونی فرهنگی «سرمایه‌داری کاری کرده است که کارگری که روزی دوازده ساعت رانندگی می‌کند تا بتواند اقساط اتومبیل مستعمل و مستهلک خودش را پرداخت کند با دیدن آقازاده‌ای که سوار بر اتومبیل اشرافی است به‌جای خشمگین شدن و اعتراض به بی‌عدالتی (آن هم در نظامی که مدعی برقراری عدالت در جهان است) دچار شیدایی امید واهی می‌شود و به به و چه چه گویان خود را پشت فرمان آن اتومبیل تصور می‌کند

نه جان برادر تو هرگز مالک آن اتومبیل نخواهی بود، نه با برنده شدن در قرعه کشی حساب‌های قرض‌الحسنه و نه با اجابت آرزوهایی که نوشته‌ای و در چاه انداخته‌ای! چاره کار:

اول- درد جمعی ما، دوی فردی ندارد، تا اتحادیه و سندیکا و انجمن تشکیل ندهیم و منافع جمعی را بر منافع فردی ترجیح ندهیم در روی همین پاشنه خواهد چرخید.

دوم- تصمیم‌های افراد عاقل بر مبنای قاعده‌هاست نه استثناءها! قاعده سرمایه‌داری «انباشت و تمرکز ثروت» است. تنها تغییر در سیستم سیاسی سازمان جامعه است که می‌تواند «قاعده بازی» را عوض کند. اولین قدم در تغییر بازی، برقراری یک نظام دموکراتیک است، نظامی که بر پایه «مطبوعات سانسور نشده» و «صندوق رای‌های غربال نشده» قرار دارد.

مگر کارگران قلب و ریه ندارند؟!

با توجه به تابستان پیش رو و آلودگی هوا در بخشی از استانهای کشور و اعلام تعطیلی ادارات دولتی باز هم شاهد تبعیض هستیم؛ چرا کارمندان دولت که عموماً در فضای بسته و پشت میز کار می‌کنند، تعطیل شده‌اند ولی کارگران که بیشتر در فضای باز کار می‌کنند و کارشان هوایی و یدی است، مشمول تعطیلی نشده‌اند؛ همیشه تعطیلی برای پرسنل دولت است و کارگران بی‌نصیبند! این تبعیض آشکار در تمام دولت‌ها بوده و امروز هم تداوم دارد.

آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های حفاظت فنی، کار کردن در شرایط پرخطر را ممنوع کرده‌اند؛ اما یک کارگر پروژه ای که قرارداد موقت است و دولت از او حمایت نکرده، چطور می‌تواند از کار کردن در این هوای آلوده و پرخطر امتناع کند یا در خانه بماند؟!

مگر کارگران قلب و ریه و شش ندارند یا دولت فکر می‌کند باید جان و سلامتی‌شان را در راه منافع کارفرمایان فدا کنند؟! بسیاری از کارگران ساختمانی و آن‌هایی که در فضای باز کار می‌کنند، حتی یک بیمه ساده ندارند که اگر مریض شدند، بتوانند درمان شوند یا غرامت ایام بیکاری بگیرند!

در حال حاضر کارگران پروژه ای حاضر در عسلویه در هوای پر از گرد و غبار و هوای ۵۰ درجه گرما کار می‌کنند و چنانچه تعطیل کنند نه تنها دستمزدی برایشان منظور نمی‌شود بلکه جریمه ترک کار هم خواهند خورد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران معتقد است:

البته امروز هم وضع طبقه کارگر ایران درخشان نیست. امروز سطح زندگی کارگران به مراتب پایین تر از آن است که باید باشد. زمانی که در اوایل سال های ۱۳۲۰ برای نخستین بار شعار « نان برای همه، فرهنگ برای همه، بهداشت برای همه » مطرح شد، اوضاع صد بار بدتر از امروز بود. بسیاری از نمایندگان طبقات حاکم درقبال این شعار با تعجب و وحشت می گفتند: «مگر ممکن است؟ مگر خدا پنج انگشت را به یک اندازه آفریده؟ چگونه ممکن است نان، فرهنگ، بهداشت برای همه باشد؟»

تا سال ۱۳۲۵ هیچ قانونی بر مناسبات کارگر و کارفرما حکومت نمی کرد. نظمی در دستمزدها، ساعات کار، مرخصی، بیمه و بازنشستگی وجود نداشت. چنان که گفتیم امروز، زندگی کارگران ایرانی هنوز از، سطح مطلوب، بسیار فاصله دارد. اما اشتباه است اگر یک لحظه فراموش کنیم که همین یک لقمه نانی هم که از گلوی فرزندان کارگران پایین می رود، همین یک روز تعطیلی هفتگی که کارگر می تواند در کنار زن و فرزند خود باشد، همین به مدرسه رفتن کودکان کارگران و همه و همه ی اینها به بهای نبرد طولانی طبقه کارگر زیر رهبری شورای متحده مرکزی زحمتکشان، بدست آمده است. سندیکا‌های کارگری را به دلیل اینکه در مبارزات کارگری و دفاع از حقوق زحمتکشان و نبرد علیه استعمار در صف نخست بوده بارها به محاکمه کشیده اند. مبارزان سندیکایی سالها در زندان و تبعیدگاه ها بسر برده اند. علی امیدا امروز در میان ما نیستند، اما پرچم پُر افتخار نهضت کارگری ایران هم چنان در اهتزاز است و در اهتزاز خواهد بود «اتهام ما این است که مدافع منافع کارگرانیم. ما به این اتهام افتخار می کنیم»



معادن طلای میرجاوه بلوچستان بزرگترین معدن طلای اگر نه خاورمیانه در ایران است.

پسرک، سرزمین مان ثروت زیادی دارد،

اما دزد زیادترا!



سهام ما از نفت و گاز و ثروت ملی ایران کجاست؟